اکثریت

نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۱۷ اسفند ۱۳۶۶ برابر ۷ مارس ۱۹۸۸
بهاء ۶۰ ریال ـ سال چهارم شماره ۱۹۸

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

شهادت فدایی خلق رفیق علیرضا اکبری شاندیز عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان

هم میهنان گرامی!

رفیق علیرضا اکبری شاندیز، عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان ما، در پی نزدیک به ۵ سال اسارت، در مقدم اسفندماه ۱۳۶۵، به دست جنایتکاران حاکم، به شهادت رسید.

رفیق علیرضا اکبری (رفیق جواد) که در سال ۵۸ به عضویت در کمیته مرکزی سازمان و در سال ۵۹ به عضویت به هیات سیاسی کمیته مرکزی درآمد، در خرداد ماه سال ۱۳۶۱، بدست دژخیمان رژیم اسیر شد. رفیق در پی چهار سال و اندی مبارزه پر فراز و نشیب در شکنجه‌گاه اوین، با سری افراشته و قلبی سرشار از عشق به مردم و کینه نسبت به دشمنان خلق، در برابر جوخه اعدام ایستاد. رفیق علیرضا اکبری را به خاطر خدمت به سازمانش که نشانه وفاداریش به میثاق خویش با مردم زحمتکش ایران است، و به خاطر

بقیه در صفحه ۷

باران مرگ و آتش بر شهرها

خمینی: فرق نمی‌کند مرگ با تانک و توپ باشد یا با موشک!

عقربیت جنگ، باز در شهرها بیداد می‌کند. مرگ و آتش است که بر سر مردم بی‌دفاع باریدن گرفته است. سران دو رژیم جنایتکار، که در پناهگاه‌های امن کمین کرده‌اند، موشک‌ها را یکی پس از دیگری به سوی مردم شلیک می‌کنند، بمب افکن‌ها را به ماموریت‌های مرگ‌آور گسیل می‌دارند و توپ‌ها را فرمان آتش می‌دهند. در اطلاعیه‌های نظامی، جنایات با طمطراق برشمرده می‌شوند، یک موشک، دو موشک، سه موشک... برای مردم آن سوی مرز اشک تماسح می‌ریزند: بگریید تا کاشانه‌هایتان را ویران کنیم. از مردم این سوی مرز می‌خواهند که بمانند تا آوار مدفونشان کند. خمینی جنایتکار، می‌گوید مردم جوانهایشان را برای "شهادت" بزرگ می‌کنند، پس فرق نمی‌کند مرگ با تانک و توپ باشد یا با موشک! می‌گوید "خودمان را حفظ کنیم"، دیگر مهم نیست که موشک بیاید. مسئول مستقیم این فجایع، از این همه مرگ و ویرانی تکش هم نمی‌کند. گویی از این آتش‌بازی مرگ‌آور، لذت هم می‌برد.

عراق برای نخستین بار در تابستان اعلام کرد یک موشک میان برد (با برد ۶۵۰ کیلومتر) را آزمایش کرده است. صدام‌حسین نمی‌خواهد در داشتن ابزار آدم‌کشی، از خمینی عقب بماند. بغداد از سال گذشته در تیررس موشکهای سپاه پاسداران خمینی است، پس چرا تهران در تیررس موشکهای عراقی نباشد؟

فرماندهی نظامی عراق مدعی است این بار جمهوری اسلامی با بمباران هوایی شهر قلعه‌دیزه عراق جنگ شهرها را آغاز کرد. رژیم خمینی آغاز این دور جنایات فوبتی را حمله هوایی به پالایشگاه ری در روز شنبه ۸ اسفند اعلام کرده است. تفاوت در چیست؟ در هیچ. بنظار جنایتکاران بر سر "افتخار" پیشدستی در آدم‌کشی

بقیه در صفحه ۳

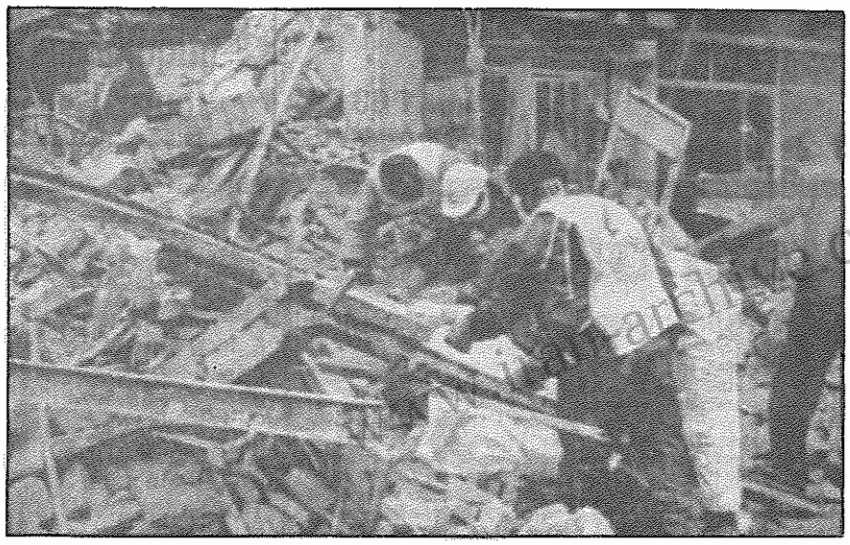

عکسی از تهران امروز ـ در جستجوی کشتگانی که در زیر تلی از خاک و آهن و آجر مدفون شده‌اند

گرامی باد روز جهانی زن!

هشتم مارس امسال، جهانیان برای هشتاد و نهمین بار روز جهانی زن را گرامی می‌دارند. از هنگامی که برای نخستین بار سال ۱۹۱۰ به پیشنهاد کلارا تسکین کمونیست برجسته آلمانی این روز که مصادف با سالگرد سرکوب تظاهرات زنان کارگر در سال ۱۸۵۷ در آمریکا بود، روز همبستگی جهانی زنان اعلام شد، چهره جهان دستخوش تغییرات چشمگیری شده است. نظامی اجتماعی پا به عرصه وجود نهاده است که جهانی نو، جهانی عاری از ستم و استثمار را نوید می‌دهد. سوسیالیسم برای نخستین بار امکانات واقعی برای تحقق برابر حقوقی میان زنان و مردان را فراهم آورده است. در کشورهای سرمایه‌داری نیز زنان با پیکار خود، دستاوردهای گرانقدری کسب کرده‌اند. نقش زنان در مبارزات رهایی‌بخش خلقهای جهان سوم پیوسته رو به افزایش است.

اما با این همه، از محو بی‌عدالتی‌هایی که بر روابط نیمی از بشریت با نیمه دیگر حکفرماست، فاصله زیادی داریم. زن‌ستیزی، نه تنها در مناسبات اجتماعی، بلکه چان‌سخت‌تر از آن، در اذهان نیم دیگر جامعه‌لانه کرده است.

اعلامیه
کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
بمناسبت ۸ مارس، روز جهانی زن

در صفحه ۹

اما جنبش بین‌المللی دمکراتیک زنان، استوار به پیش می‌رود. هر سال که می‌گذرد، شمار بیشتری از زنان پی می‌برند که رهایی خویش را تنها با پیکار

بقیه در صفحه ۸

در این شماره

روز شمار جنگ شهرها
در صفحه ۳

***

اتحاد شوروی خواهان قطع جنگ شهرها و پایان جنگ شد
در صفحه ۲

***

تزهایی در زمینه آزادی زنان
در صفحه ۱۰

***

خطابه پنجم
شعری از: میرزا آقا عسکری (مانی)
در صفحه ۸

خجسته باد ۸ مارس، روز جهانی زن

اطلاعیه مطبوعاتی نمایندگی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در اروپا

کشتار و ویرانگری در مناطق مسکونی

بار دیگر آمیزه جنگ طلبی و جنایتکاری رژیم های خمینی و صدام حسین خاکستر مرگ بر شهرهای ایران و عراق فرو پاشید.

در شرایطی که اقدامات دیپلماتیک گسترده ای برای تحمیل صلح به حکومت جنگ طلب خمینی و اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت در جریان بود، تهدیدات تازه نظامی رژیم خمینی و بمباران مناطق مسکونی جنوب شهر تهران در روز شنبه ۸ اسفند توسط رژیم عراق، آغاز دور جدیدی از جنگ شهرها را سبب گشت. جنگ شهرها، که هر یک از طرفین آن می کوشد در مسابقه کثیف آدم کشی و ویرانگری، گوی سبقت را از طرف مقابل برباید، از روز دوشنبه ۱۰ اسفند ابعاد فاجعه باری یافت. شهرهای تهران، همدان، دزفول، سقز، کرج، اصفهان، قم، رشت، شیراز، ... مورد اصابت موشک و یا هدف بمباران هوایی قرار گرفته است. طی چهار روز متوالی ۲۲ موشک به محلات مختلف شهر تهران اصابت کرده است. مناطقی در مرکز تهران، سرآسیاب، جاده قدیم شمیران، سیدخندان، بیمارستان و زایشگاه عیوض زاده، قیطریه، فاز آباد، ... در اثر اصابت موشک ویران شده و بسیاری از هموطنانمان به هلاکت رسیده اند. جمهوری اسلامی در هراس از شعله ور شدن خشم مردم با تمام قوا می کوشد تعداد واقعی قربانیان و مناطق مورد اصابت را پوشیده بدارد.

بیم و هراس بسیار و نیز خشم شدیدی از رژیم های جنگ طلب و خونریز حاکم بر ایران و عراق مردم را فرا گرفته است. بخش بزرگی از مردم تهران، شهر را ترک کرده شب را در کوه های اطراف و حومه شهر می گذرانند.

رژیم خمینی نیز با پرتاب موشک به بغداد و بمباران و گلوله باران شهرهای مرزی عراق صدها تن از مردم بی گناه این کشور را کشتار کرد و ویرانی های زیادی آفرید.

باید با تمام قوا برای متوقف ساختن این جنایات کوشید. نباید گذاشت بیش از این کودکان و زنان و مردان دو کشور در زیر آوار خانه های خود جان بسپارند. باید بر حیات مرگبار این جنگ ویرانگر نقطه پایان گذاشت. باید پذیرش صلح را به رژیم جنگ طلب خمینی تحمیل کرد.

ما از هموطنانمان در خارج از کشور و از همه سازمان ها و مجامع بین المللی می خواهیم بر کوشش های خود در راه قطع حمله به مناطق مسکونی و پایان بخشیدن به جنگ ایران و عراق بیفزایند.

نمایندگی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در اروپا

۳ مارس ۱۹۸۸

اتحاد شوروی خواهان قطع جنگ شهرها و پایان جنگ شد

کنادی گراسیموف، سخنگوی وزارت خارجه اتحاد شوروی طی یک کنفرانس مطبوعاتی در مسکو گفت اتحاد شوروی همچون گذشته موکدا خواستار قطع جنگ ایران و عراق و اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد است. وی حمله به مناطق مسکونی را تقبیح کرد. گراسیموف با اشاره به تبلیغات مسموم جمهوری اسلامی و محافل غربی دایر بر اینکه موشکهای مورد استفاده در جنگ شهرها توسط اتحاد شوروی در اختیار عراق قرار گرفته است، تاکید کرد اتحاد شوروی به هیچ وجه سلاحهایی که بتواند چنین ضرباتی وارد کند، در اختیار هیچ کشوری قرار نمی دهد.

وزارت خارجه رژیم خمینی، برخی محافل غرب و نیز سلطنت طلبان و سایر نیروهای راستگرای اپوزیسیون بورژوایی جمهوری اسلامی مدعی شده اند که موشکهای میان برد از سوی اتحاد شوروی به عراق داده شده است. کارشناسان این ادعاها را رد کرده خاطرنشان کرده اند که احتمالا برزیل تامین کننده این سلاحهاست.

خاویر پرز دوکوئیار دبیرکل سازمان ملل متحد نظر به از سرگیری جنگ شهرها بار دیگر تاکید کرد، "پایان دادن به این جنگ ویرانگر ضرورت مبرم دارد." همچنین موضوع جنگ شهرها در دستور کار شورای امنیت قرار گرفت. به گزارش مخابره غربی، میان پنج عضو دائمی شورای امنیت پیرامون قطعنامه ای جدید در مورد جنگ ایران و عراق توافق حاصل شده است. طبق طرح مشترکی که اتحاد شوروی، چین، آمریکا، انگلیس و فرانسه به ۱۰ عضو دیگر شورای امنیت ارائه کرده اند، در قطعنامه به جمهوری اسلامی ۳۰ تا ۶۰ روز برای پذیرش آتش بس مهلت داده خواهد شد. در صورت عدم تن دادن رژیم خمینی به این اولتیماتوم، تحریم تسلیحاتی جمهوری اسلامی به مورد اجرا گذاشته می شود.

علیه جنگ بپاخیزیم!

باز هم طوفان مرگ سیل اشک و خون در میهنمان براه انداخته است. بار دیگر جنگ خونین شهرها آغاز شده است. تهران، شیراز، همدان، سنقدج، قم، سقز، رشت ... این موج آتش از هر کجا که می گذرد جز ویرانی و مرگ، اندوه و انزجار چیزی باقی نمی گذارد.

ایمان که بر خاک می افتند، ایمان که در اشک غرقه می شوند، اینان که آواره می شوند، پدران، مادران، برادران، خواهران و فرزندان ما هستند. ایمان عزیزان ما تبعید شدگانند.

برخیزیم! برخیزیم. بپای فرزندگانی که بر خاکستر ویرانه های سرپناه خویش قرومی افتند و پیکرهای خونین عزیزانشان را در آغوش می گیرند فریاد صلح خواهی این خلق را به گوش جهانیان برسانیم.

گرد آییم. بسرعت گرد آییم و در صفوف بهم فشرده تظاهرات شیپور نفرت مردم ایران از جنگ را در حنجره های سوختمه مان به صدا درآوریم.

طی هفته گذشته که دور تازه ای از جنگ شهرها آغاز شد، مبارزه مهاجرین میهن دوست ایرانی، اوج تازه ای گرفت. در روزهای پنج شنبه و جمعه ۱۳ و ۱۴ اسفند (سوم و چهارم مارس) بیش از ۱۲۰۰ نفر از ایرانیان مقیم لس آنجلس بپا به دعوت جمعی از دانشجویان ایرانی مقیم این شهر در برابر ساختمان فدرال گرد آمده علیه کشتار و ویرانگری در مناطق مسکونی ایران و عراق دست به تظاهرات زدند. تظاهرکنندگان یک صدا خواهان اقدام فوری جهت متوقف کردن حملات موشکی و بمباران شهرها شدند تظاهرکنندگان از دبیرکل سازمان ملل خواستند تا اقدامات خود را برای پایان بخشیدن به بمباران و گلوله باران شهرهای دو کشور حدت بخشد.

اخبار این تظاهرات در رسانه های گروهی آمریکا از جمله رادیوهای KPSK و KNX و تلویزیون کانال دو آمریکا انعکاس وسیعی داشت. فدائیان خلق در این تظاهرات شرکت فعال داشتند. اقدامات اعتراضی دیگری از این دست طی روز شنبه ۱۵ اسفند در شهرهای بن و کلن در آلمان فدرال بوقوع پیوست که گزارش آن را در شماره بعد از نظر خوانندگان می گذرانیم.

باران مرگ و آتش بر شهرها

بقیه از صفحه اول

چاشه بزنند. مهر ننگی که بر پیشانی آنان زده می شود، ورای این چاشه زدن هاست. هر دو جنایتکارند، هر دو خونریزند، هر دو آدم کشند.

خمینی می گوید جنگ شهرها را قطع کنیم، به جنگ در جبهه ها ادامه دهیم. صدام حسین می گوید تا جنگ در جبهه هاست، جنگ شهرها هم هست. متلک های دو جانبی، با هم مصاف می دهند. به همان اندازه که گسترش جنگ به مناطق مسکونی رذیلانه است، پیشنهاد قطع آدم کشی در شهرها و ادامه جنگ در جبهه ها، حکایت از جنایتکاری پیشنهاد دهنده دارد. هر جنایت، بقام عامل مستقیم آن ثبت می شود، اما جنایت بزرگی که جنگ نام دارد، در انحصار خمینی است. او خود چنین می خواهد. می خواهد که این جنایت بزرگ بنام او نگاشته شود. بگذار چنین شود.

هر موشکی که در تهران فرود می آید، زودتر از آمبولانسها و تیم های امداد، گزمه ها در محل حاضر می شوند، آنجا را محاصره می کنند و نمی گذارند خبری در باره تلفات و خسارات درو کند. خود رژیم از تلفات و ویرانی ها خبری نمی دهد، و اگر بدهد، بسیار کمتر از رقم واقعی است. تعداد موشک ها را تنها از اطلاعیه های نظامی عراق می توان فهمید. موشک ها از شمار خارج شده اند. تعدادشان تا ظهر شنبه از ۳۰ تجاوز کرده بود. موشک های شلیک شده به بغداد نیز بسیارند. آسمان شهرهای ایران، جولانگاه هواپیماهای عراقی است.

روشمار جنگ موشک ها را در صفحه ۳ می خوانید.

www.iran-archive.com

روزشمار جنگ شهرها

یکشنبه ۹ اسفند

* مارشال هوایی حمید شعبان فرمانده نیروی هوایی در مصاحبه‌ای با روزنامه الثوره چاپ بغداد تهدید کرد در صورت حمله موشکی جمهوری اسلامی به شهرهای عراق، "ستاد فرماندهی کل ارتش و سایر اهداف استراتژیک در ایران" هدف حمله عراق قرار خواهند گرفت. شعبان گفت جمهوری اسلامی دچار این توهم است که عراق در برابر تهدید شهرهای خود تسلیم خواهد شد. وی افزود عراق در برابر حمله به شهرهای خود واکنش سختی نشان خواهد داد.

* بغداد مورد حمله موشکی سپاه پاسداران جمهوری اسلامی قرار گرفت. طی این حمله، مناطق مسکونی آسیب دید و شماری غیرنظامی کشته شدند. دولت عراق، اهالی محلاتی از بغداد، بصره و چند شهر دیگر را تخلیه کرد. بصره هدف آتشباری توپخانه جمهوری اسلامی شد. در شهر القرنه واقع در شمال بصره، پنج غیرنظامی در حمله توپخانه ایران کشته شدند. خانقین نیز توسط توپهای جمهوری اسلامی آسیب دید.

دوشنبه ۱۰ اسفند

* برای نخستین‌بار، موشکهای برد متوسط عراق تهران را هدف قرار دادند. بیمارستان و زایشگاه عیرض‌زاده در خیابان شیخ‌هادی، از نقاطی بود که آسیب دید. چند مادر و چند نوزاد در حمله موشکی کشته شدند. از بعدازظهر دوشنبه تا بعد از ظهر سه‌شنبه، ۱۳ موشک به تهران اصابت کرد. گزارشهای دیگر حاکی از وقوع ۱۴ حمله موشکی در همین فاصله است. میدان قزوین، میدان آزادی، تهران پارس، میدان راه‌آهن، یوسف‌آباد، میدان ولی عصر، اطراف فرودگاه، خیابان محمدی، خیابان فلسطین، خیابان فاطمی، خیابان مهر پنجم در قیطریه و ... مورد اصابت قرار گرفتند.

* عراق اعلام کرد موشکهای میان‌برد را که می‌توانند تا ۶۵۰ کیلومتری پرواز کنند، خود ساخته است. ناظران، نسبت به صحت این ادعا ابراز تردید کردند. برخی اخبار منتشره حاکی است عراق این موشکها را از برزیل خریده است.

سه‌شنبه ۱۱ اسفند

* مقامات دیپلماتیک غربی از تهران خبر دادند اکثر موشکهای عراقی به مرکز شهر تهران اصابت کرده و ویرانی‌ها و تلفات بسیاری را سبب شده‌اند. شمار کشته‌شدگان تا بعدازظهر سه‌شنبه ۳۰۰ نفر تخمین زده شد. حزب‌اللهی‌ها به دوره‌گردی و عربده‌کشی در شهر پرداختند. موج فرار از تهران آغاز شد. کوههای شمال و بیابانهای اطراف تهران در سرمای شبهای اسفند پذیرای میلیونها تن از مردم است. گفته شد که ۶ میلیون نفر تهران را ترک کرده‌اند. دعوت‌های مکرر بلندگوهای تبلیغاتی رژیم از مردم برای "حفظ آرامش" بی‌پاسخ ماند.

* بخش عربی صدای جمهوری اسلامی بار دیگر از مردم بغداد خواست برای در امان ماندن از "حملاتی با ابعاد بی‌سابقه" شهر را ترک کنند.

چهارشنبه ۱۲ اسفند

* شمار موشکهای عراقی که به تهران اصابت کرده‌اند، به ۱۹ رسید. بغداد نیز تا همین روز ۷ بار هدف حمله موشکی قرار گرفت. برای نخستین‌بار، دو موشک عراقی به قم اصابت کردند. کرج و دزفول مورد بمباران هوایی قرار گرفتند. به گزارش خبرنگاران خارجی، بیم و وحشت شدید بر اهالی پایتخت‌های دو کشور حکم فرماست. تماس مستقیم تلفنی از خارج با تهران غیرممکن است.

* اصفهان و روستایی در نزدیکی رشت آماج بمباران هوایی عراق شدند.

* خمینی طی یک سخنرانی گفت مردم از موشک نمی‌ترسند. وی افزود مردم جوانان خود را بزرگ می‌کنند. "و فکر می‌کنند انشاالله بزرگ می‌شود و شهید می‌شود." خلیفه چماران اظهار داشت، "اینها خیال می‌کنند اگر موشک انداختند ایران بحران شدت می‌کند ... عمده این است که ما توجه داشته باشیم به اینکه حفظ کنیم ما خودمان را ... اگر اینها حفظ شد اگر موشک بیاید یا هرکاری می‌خواهد بیاید ... فرق نمی‌کند شهادت با تانک باشد، توپ باشد یا موشک."

اعضای هیئت دولتی و تجاری ترکیه شب را به علت حملات موشکی در ویرژمین هتل محل اقامت خود در تهران ترک کردند. بنابه درخواست شخصی تورکوت اوزال نخست‌وزیر ترکیه از صدام حسین، عراق حملات موشکی به تهران را تنها برای دو ساعت قطع کرد تا اوزال بتواند تهران را ترک کند.

پنج‌شنبه ۱۳ اسفند

* در حمله موشکی جدید، به تهران، یک بیمارستان دیگر آسیب دید. هواپیماهای عراقی شیراز را در ساعت ۱۱ صبح بمباران کردند. در این حمله ۱۲ تن کشته و ۴۰ نفر مجروح شدند. تا روز پنجشنبه، علاوه بر حملات موشکی به تهران و قم، سقز، همدان، سنندج، دزفول، کرج، اصفهان، رشت، شیراز، قزوین، آغاجاری و زنجان مورد بمباران هوایی قرار گرفتند. طرف چهار روز بیش از ۲۰ موشک به تهران اصابت کردند. بدره، سلیمانیه، ابوالخصیب، بصره و بغداد از شهرهای عراقی هستند که در دور جدید جنگ شهرها آسیب دیده‌اند. در تهران، سرآسیاب، جاده قدیم شمیران، یدخشدان و نازی‌آباد نیز به مناطق ویران شده در حملات موشکی افزوده شدند. بیمارستان شریعتی، و بیمارستان سعادت‌آباد نیز آسیب دیده‌اند. یک موشک به منطقه جنوب خیابان ستارخان (نارمک) اصابت کرد.

جمعه ۱۴ اسفند

* موسوی اردبیلی در نماز جمعه تهران گفت حمله به مناطق مسکونی "ارزش نظامی" ندارد.

* دو موشک دیگر عراقی به تهران و دو موشک جمهوری اسلامی به بغداد اصابت کردند. از تلفات این حملات جدید نیز خبری انتشار نیافت.

شنبه ۱۵ اسفند

* ۶ موشک عراق به تهران اصابت کردند. به گزارش صدای جمهوری اسلامی، طی این حملات ۲۶ تن کشته شدند. اخبار مستقل، حاکی از تلفات بسیار بیشتری است. طبق اخبار رسمی، یک بیمارستان در جریان این حملات هدف قرار گرفت. در ساعت ۶ و ۴۰ دقیقه صبح، سپاه پاسداران یک موشک دیگر به بغداد تنیس نرد. چند روستا در استان همدان در ساعت ۱۱ صبح بمباران هوایی شدند.

* رفسنجانی رئیس مجلس خمینی گفت در آینده نزدیک جمهوری اسلامی عملیات تازه‌ای را در جبهه‌های جنگ آغاز خواهد کرد.

یکشنبه ۱۶ اسفند

دورود، شوشتر، اراک، نهاوند، تویسرکان، میاندوآب، کاشان، اندیمشک، رشت، کوهدشت، بروجرد، خرم‌آباد، اسلام‌آباد غرب، پل دختر، باختران و خرمشهر، نیز بر شمار شهرهای آسیب دیده افزوده شدند. در ساعت ۵ بامداد یک موشک دیگر به سوی تهران شلیک شد. پیش از ظهر همین روز ایلام و مریوان نیز بمباران شدند. آمار تلفات این مناطق هنوز گزارش نشده است.

لاریجانی معاون وزارت امور خارجه ضمن انتقاد از تدارک تصویب قطعنامه تحریم تسلیحاتی، آمادگی تهران را برای همکاری با دبیرکل سازمان ملل پیرامون طرح پیشنهادی وی در قطعنامه ۵۹۸ اعلام کرد.

یک تقارن شوم

یک شبکه تلویزیونی آمریکایی، استودیویی را که برای گزارشهای ۲۴ ساعته از جنگ نفت‌کش‌ها در دوبی دایر کرده بود، تعطیل کرد. علت این اقدام، این امر اعلام شد که "ارزش خبری" گزارش‌های مخابره شده از این استودیو، پاسخگوی مخارج هنگفت آن نیست.

تقارن این خبر با آغاز جنگ موشک‌ها، تقارنی شوم است. در حالی که خیال فارغ‌کنان نفت از بابت جنگ نفت‌کش‌ها با فروکش کردن آن آسوده می‌شود، دور جدید جنگ شهرها، عید بسیاری از مردم ما را عزا کرده است. "ارزش خبری" جنگ نفت‌کش‌ها تا آن حد بود که هر نفت‌کشی که هدف قرار می‌گرفت، شبکه‌های تلویزیونی لحظه به لحظه از آن گزارش می‌دادند. "ارزش خبری" صدها غیرنظامی بی‌گناه، تا این حد نیست. جنگ موشکها در مقایسه با جنگ نفت‌کش‌ها جهای کمتری را در اخبار رسانه‌های غربی به خود اختصاص داد. تعجبی ندارد.

www.iran-archive.com

تشدید اختلاف شورای نگهبان و وزارت کشور در آستانه انتخابات

انتخابات سومین دوره مجلس و فعالیت تبلیغاتی کاندیداها، یکی از عرصه‌های درگیری نمایندگان مجلس طی هفته‌های اخیر است. عربک از نمایندگان به هنگام سخنرانی با پرداختن به مسئله انتخابات و اهمیت آن برای سرنوشت رژیم، کاندیداهای جناح مقابل و ائمه جمعه را به خاطر عدم مراعات قوانین انتخاباتی و تبلیغات زودرس از تریبون و امکانات دولتی به فقه کاندیداهای خود به باد حمله می‌گیرند. در این زمینه اختلافات میان وزارت کشور و شورای نگهبان به آنجا رسید که شورای نگهبان صلاحیت ۳۰ تن از "معتمدینی" را که به عنوان ناظر از طرف وزارت کشور معرفی شده بودند، رد کرد. معاون حقوقی وزارت کشور، این اقدام شورای نگهبان را به عنوان پیروی از اختلاف سلیقه محکوم نمود و تاکید کرد در "مسیر تایید صلاحیت‌ها بگونه‌ای نباشد که بخواهند خود معتمد تعیین کنند و اگر مسیر در جهت رد کردن‌های متوالی باشد معلوم است که آنها خود درصدد تعیین نمایندگان هستند."

در گردهمایی که روز سوم اسفند در تهران با حضور فرمانداران، استانداران و وزیر کشور تشکیل شد، آیت‌الله کاشانی عضو شورای نگهبان و رئیس هیات مرکزی نظارت بر انتخابات ضمن اعلام عدم اعمال نظر ناظرین شورای نگهبان، تصریح کرد شورای نگهبان در هر حوزه‌ای تا آرامی حکمفرما باشد انتخابات آنجا را متوقف می‌کند.

در پایان سمیعار محتشمی همراه فرمانداران، بخشداران و هیات‌های بازرسی انتخابات به چماران رفت و ضمن ارائه گزارشی از فعالیت وزارت کشور، خواستار صدور فرمانی برای برخورد قوه قضاییه با "افراد، گروهها و تشکیلاتی" شد که می‌خواهند فضای تدارک شده انتخابات را برهم بزنند.

محتشمی طی سخنانی در اجتماع بازرسین استانها، نحوه مقابله وزارت کشور با تخلفات را چنین توضیح داد: مرحله اول که از هم اکنون آغاز می‌شود رسیدگی به تحرکات فعلی است و مرحله بعد آغاز نام‌نویسی تا تعیین صلاحیت و تبلیغات کاندیداها تا قبل از شروع انتخابات است و بعد از این مراحل باید تمام تخلفات را در بیلان کار خود بیاورند و به مرکز بفرستند تا تصمیم‌گیری شود. وی ۲۴ ساعت قبل از شروع انتخابات را به عنوان لحظه حساسی خواند که قرار است وزارت کشور به طور سراسری برای کنترل صندوق‌های رای در حال آماده‌باش باشد.

زمینه‌سازی برای تکرار بلوای خونین مکه

در آستانه برگزاری مراسم حج باردیگر مناقشات لفظی میان تهران و ریاض اوج گرفته است. مسئولان جمهوری اسلامی علیرغم آنکه هنوز سرنوشت برخی از مفقودین و مقتولین بلوای خونین سال گذشته در مکه روشن نشده، اعلام کرده‌اند که "ایران امسال نیز با همان شدت همیشگی در مراسم حج شرکت خواهد کرد و آنچه مورد خواست خداوند است انجام خواهد داد." روز دوشنبه ۲۶ اسفند خاتمی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پایان جلسه هیات دولت ضمن اظهار مطلب فوق، آخرین مصوبات برای اعزام زایران به مکه در سال آینده را اعلام کرد. وی ضمن تاکید بر اعزام کلیه زایران که تعداد آنان بیش از ۱۵۰ هزارتن می‌باشد، تصریح کرد در صورت عدم تحقق نظر دولت ایران و ممانعت عربستان از اعزام زائران ایرانی به مکه، جمهوری اسلامی این اقدام را به عنوان "معارضه" و "ضدیت" تلقی خواهد کرد و "رژیم سعودی با طوفان خشم ملتها روبرو خواهد شد."

هفته گذشته بشارتی قائم‌مقام وزارت امور خارجه طی سخنرانی در دانشگاه تهران اعلام داشت که جمهوری اسلامی به اقدامات عربستان مبنی بر جلوگیری از ورود زائران ایرانی به مکه اعتنایی نخواهد کرد و برای انجام مراسم حج از مقامات دولت ریاض اجازه نخواهد گرفت.

این اظهارات موجب شدت عمل ریاض در قبال تهران شده و برنامه سفر زائران ایرانی به مکه را در سال آینده در پرده ابهام گذاشته است. در تفدکوییهای مسئولان جمهوری اسلامی علیه مقامات ریاض، دوراندیشی برای صرفه‌جویی اروی جای ویژه‌ای دارد.

اخبار منتشره حاکی است که تاکنون دولت عربستان در تصمیم خود علیه جمهوری اسلامی هیچگونه نرمشی نشان نداده و همچنان درصدد است مقامات تهران را به رعایت ضوابط خود مقید سازد. به همین منظور دولت عربستان از سفر "امام جماراتی" نماینده خمینی به خاک عربستان جلوگیری کرد. قرار بود جماراتی در ریاض مقدمات سفر حجاج ایرانی را آماده کند. این اقدام دولت عربستان روز پنج‌شنبه گذشته از سوی موسوی نخست‌وزیر به شدت مورد انتقاد قرار گرفت.

سال گذشته در مکه در جریان درگیری حزب‌اللهی‌های طرفدار خمینی با پلیس عربستان قریب ۳۱۵ تن از زایرین ایرانی و سایر کشورها کشته و ۶۴۹ زخمی شدند. هویت برخی از مقتولین این حادثه هنوز هم روشن نشده است. برخی از نمایندگان مجلس، اعضا سپاه‌پاسداران و مقامات طراز اول حکومت اسلامی از جمله مقتدایی عضو و سخنگوی شورایعالی قضایی و کروبی نماینده خمینی سازمانگر بلوا بودند.

پیش از برپایی این درگیری، دولت عربستان به جمهوری اسلامی هشدار داده بود که از برگزاری تظاهرات بیش از ۳۰ هزار نفره خودداری کند. اما مقامات تهران به قصد دستیابی به اهداف خود زمینه بلوا و قتل صدها انسان بی‌گناه را فراهم ساختند. تصمیم دولت عربستان برای سرکوبی تظاهرات یک روز پیش از بروز حادثه از طریق تورگوت اوزال نخست وزیر ترکیه کتبا به موسوی نخست وزیر ایران اطلاع داده شده بود.

ادامه ارسال سلاحهای شیمیایی آمریکا به ایران

کشتی "ایران عدالت" جمعه هفته اول اسفندماه به هنگام عبور از آبهای دریایی هلند، به دستور دادستانی این کشور در بندر روتردام متوقف شد. مقامات هلندی اعلام کردند که کشتی حامل سلاحهای شیمیایی بوده و به همین متوقف شد. بنابه گزارشهای منتشره، این کشتی معموله نظامی خود را در آمریکا به مقصد تهران بارگیری کرده بود. طی دو هفته‌ای که کشتی "ایران عدالت" در توقیف بود مقامات واشنگتن و تهران واکنشی در قبال آن نشان ندادند. این کشتی هفته گذشته، پس از تماس وزارت دادگستری آمریکا با مقامات هلند، روتردام را همراه محموله‌اش به سوی ایران ترک کرد.

صدور قرار منع تعقیب وزیر کشور

روز دوشنبه سوم اسفند در جلسه علنی مجلس فاش شد که وزیر کشور بنابه شکایت یکی از نمایندگان تحت تعقیب قانونی بوده ولی بعد از یکسال از سوی مسئولان قضایی قرار منع تعقیب وی صادر شده است.

موضوع از این قرار است که روز بیست و پنجم اردیبهشت سال گذشته در جریان استیضاح وزیر کشور از سوی نماینده سیرجان، وزیر کشور به جای پاسخ به سوالات، به وی اتهام می‌زند که با "احساسات برخی از نمایندگان مواجه می‌شود". در پی این درگیری نماینده سیرجان علیه وزیر کشور شکایت می‌کند اما پس از "۲۱ ماه صبر" و انتظار، در تاریخ هفتم خرداد سالجاری که مصادف با "هفته قانون" در جمهوری اسلامی است "حکم منع تعقیب قانونی وی را رویت می‌کند" دو روز بعد نماینده مجلس اعتراض خود را علیه حکم مسئولان قضایی که به حمایت از وزیر کشور صادر شده بود، اعلام می‌کند. وی هفته گذشته در جلسه مجلس مسئولان قضایی را به "قصاص" اعمالشان تهدید کرد و خواستار مجازات وزیر کشور شد.

نتایج مذاکرات اوزال در تهران

هفته گذشته تورگوت اوزال نخست وزیر ترکیه همراه یک هیات ۱۷۰ نفره مرکب از تجار و مقامات سیاسی و اقتصادی این کشور از تهران دیدن کردند. اوزال و همراهانش طی دو روز اقامت در تهران که از یکشنبه تا سه‌شنبه به طول انجامید، با موسوی نخست وزیر، خامنه‌ای رئیس جمهور، فنوی وزیر صنایع سنگین، ولایتی و معاون وی و مقامات ◀

www.iran-archive.com

دوازدهمین کنگره ...

بقیه از صفحه آخر

فاصله دو کنگره میان توده‌ها افزایش یافته است.

سپس نمایندگان اعضای حزب، ترکیب تازه کمیته مرکزی را انتخاب کردند. سی درصد انتخاب شدگان از میان ترکیب کمیته مرکزی پیشین برگزیده شدند. رفیق "خولیا انگیتا" نیز سمت دبیرکلی حزب کمونیست اسپانیا را برعهده گرفت.

"خولیا انگیتا" بعد از انتخاب شدن بسمت دبیرکل حزب، طی یک سخنرانی از دبیر کل پیشین حزب قدردانی کرد. رفیق انگیتا در بخشی از سخنان خود گفت نیرومندی حزب ما در گرو آن است که تا چه حد بتواند با مردم کوچه و خیابان رابطه برقرار کند. وی اضافه کرد حزب ما مرزهای روشن خود را با حزب سوسیالیست کارگران اسپانیا (حزب حاکم) را حفظ خواهد کرد. او تاکید کرد همه باید بدانند که حزب محل تجمع ساده یک عده نیست، ما برای تغییر جامعه به دورهم حلقه زده‌ایم.

دبیرکل جدید حزب کمونیست اسپانیا در ادامه سخنرانی خود گفت در راه یکانگی جنبش کمونیستی که حاصل وحدت از پایین است، تلاش خواهد ورزید.

در دوازدهمین کنگره حزب کمونیست اسپانیا علاوه بر میهمانان خارجی، حزب کمونیست خلقهای اسپانیا و ۳۹ هیات از احزاب سیاسی، سندیکاها و سازمانهای جوانان حضور داشتند. بنابه دعوت رسمی حزب هیاتی از جانب کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در این کنگره شرکت داشت. هیات نمایندگی کمیته مرکزی سازمان در روزهای برگزاری کنگره با دیگر هیات‌های نمایندگی میهمان از جمله حزب کمونیست ترکیه، شیلی، لبنان، عربستان، ژاپن، فلسطین، سان‌مارینو، حزب کاراتیوپی، سازمان آزادیبخش فلسطین نشست‌های دو جانبه داشت و ضمن تشریح اوضاع فعلی ایران و مبادله تجارب مبارزاتی خواستار همبستگی گسترده‌تر احزاب برادر و نیروهای صلح‌طلب و آزادیخواه با مبارزات مردم ایران برای صلح و آزادی شد.

در پایان کار این کنگره هیات نمایندگی سازمان طی دیداری با رفیق خولیو انگیتا ضمن ابراز شادباش به ایشان، از حزب کمونیست اسپانیا بخاطر همبستگی با مبارزات انقلابیون و مردم ایران سپاسگزاری کرد. رفیق انگیتا در پاسخ اظهار داشت این کار را وظیفه خود می‌دانیم و به آن ادامه خواهیم داد.

بیانیه هیأت‌های شرکت‌کننده در دوازدهمین کنگره حزب کمونیست اسپانیا

جنگ ایران و عراق باید متوقف شود

ماهیات‌های شرکت کننده در دوازدهمین کنگره حزب کمونیست اسپانیا، ادامه جنگ ایران و عراق را در ستیز با منافع مردم ایران و عراق و به زیان هموئیستی مسالمت آمیز کشورهای منطقه و در خدمت تشنج بیشتر در منطقه می‌دانیم.

ما خواهان اعلام آتش بس فوری میان طرفین جنگ و عقب نشینی به مرزهای شناخته شده بین المللی می‌باشیم.

در این رابطه اجرای فوری قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد را ضروری می‌دانیم و از دبیرکل سازمان ملل متحد می‌خواهیم اقدامات خویش را جهت پذیرش قطعنامه فوق توسط ایران سرعت بخشد.

ما در عین حال سرکوب بخش نیروهای مدافع صلح و آزادی در جمهوری اسلامی را محکوم می‌کنیم و از دولت جمهوری اسلامی می‌خواهیم به پیگرد و سرکوب نیروهای مترقی و دمکرات پایان دهد و شرایط لازم جهت بازدید از زندان‌های جمهوری اسلامی توسط ارگانهای ذیصلاح بین المللی را فراهم سازد.

- حزب کمونیست اسپانیا
- حزب کمونیست شیلی
- حزب کمونیست سوریه
- حزب خلق پاناما
- چپ متحد پرو
- حزب کمونیست سویس
- حزب کمونیست تونس
- جبهه خلق برای آزادی فلسطین
- حزب کمونیست ترکیه
- حزب سوسیالیست خلق دانمارک
- حزب کمونیست بلژیک
- حزب کمونیست برزیل
- جبهه میهنی مانوئل رودریگز
- حزب کمونیست دانمارک
- حزب کمونیست فروژ
- حزب کمونیست ژاپن
- حزب کمونیست سن‌مارینو
- حزب مترقی مراکش
- حزب سوسیالیست شیلی

www.iranarchive.com

امنیتی جمهوری اسلامی ملاقات کردند. در این دیدارها جنگ ایران و عراق، مسئله افغانستان و مذاکرات ژنو، مبادلات تجاری و امضای قرارداد جدید، احداث خط لوله انتقال نفت، مسایل مرزی و مقابله با فعالیت مخالفین دو رژیم در خاک ایران و ترکیه مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

بعقابه اظهار موسوی نخست وزیر بین طرفین یک تفاهم نامه تجاری برای سال آتی به امضا رسید. در این پروتکل حجم مبادلات ۱/۸ میلیارد دلار پیش بینی شده است. این مبلغ نسبت به قراردادی که سال گذشته در آنکارا با حضور موسوی و اوزال به امضا رسید، ۲۰۰ میلیون دلار کمتر است. قسمت اعظم قرارداد اخیر طریق صدور نفت خام ایران و ورود کالاهای مصرفی اروپایی توسط دلالان ترک به ایران تامین می‌شود. ترکیه تاکنون به تعهدات خود مبنی بر خرید کالاهای غیرنفتی ایران پای‌بند نبوده و حجم قراردادهای تنظیم شده را به صورت یک طرفه اجرا کرده است. در دیدار تهران اگرچه احداث خط لوله انتقال نفت خوزستان از خاک ترکیه به سواحل مدیترانه‌ای این کشور مورد بحث قرار گرفت اما نتایج حاصل از این مذاکرات به صورت متفاوتی بازتاب یافت. در حالی که موسوی از امضای تفاهم نامه احداث خط لوله صحبت می‌کرد، مطبوعات ترکیه و اروپا به نقل از مقامات آنکارا نوشتند که امضای قرارداد احداث خط لوله انتقال نفت به علت عدم توانایی اروپا و مالی رژیم جمهوری اسلامی، عمل نشد. قرار بود ۲/۵ میلیارد دلار از هزینه ۴ میلیارد دلاری این پروژه توسط ایران تامین شود.

در پایان دیدار، روز سه‌شنبه اوزال تهران را به مقصد آنکارا ترک گفت. به هنگام بازگشت نخست وزیر ترکیه، صدام حسین دستور داد به مدت ۲ ساعت از شلیک موشک به سوی تهران جلوگیری شود. براساس اخبار منتشره قرار است اوزال طی روزهای آتی در بغداد با صدام حسین ملاقات کند.

در جریان مذاکراتی که پیش از سفر اوزال به تهران در آنکارا میان محمد صدر معاون سیاسی وزیر کشور جمهوری اسلامی با مقامات اطلاعات و امنیتی ترکیه و اوزال صورت گرفت، وی از دولت ترکیه خواستار همکاری با تهران جهت جلوگیری از ورود پناهندگان ایرانی به خاک ترکیه و مقابله با فعالیت آنها علیه رژیم جمهوری اسلامی شد. معاون سیاسی وزارت کشور تعهد کرد که ایران نیز گردهای مخالف دولت آنکارا که در خاک ایران به سر می‌برند دستگیر کرده و به ترکیه تحویل دهد.

خبرهای کوتاه

* انفجار حمام قدیمی در یک روستای شهر بابک از توابع استان یزد به مرگ ۱۲ دانش آموز منجر شد. بنا به گزارش روزنامه کیهان علت انفجار آب از منبع اصلی به آتشخانه حمام بوده است. علاوه بر کشته‌ها ۲۲ تن دیگر نیز به شدت زخمی شدند که به بیمارستان‌های منطقه و شهرهای مجاور انتقال یافتند.

* وزارت کشور تا پایان سال ۱۳۷۰، برای شناسایی ۵۲ میلیون نفر از جمعیت کشور از سیستم کامپیوتری استفاده خواهد کرد. معاون وزیر کشور در سمینار فرمانداران (بخشداران ضمن اعلام خبر فوق، توضیح داد که اطلاعات جمع آوری شده در ۳۰۰ موضوع طبقه بندی می‌شود.

اطلاعیه نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران

نظر به اینکه آقایان دکتر ربیع کلیمی پیمانی بشماره نظام پزشکی ۲۴۹۰ و دکتر منصور قندهاری به شماره نظام پزشکی ۱۱۶۲۷، از انجام خدمت یک ماهه موضوع قانون مصوب ۲۲ر۶ر۶۳ امتناع کرده‌اند، به موجب تبصره ٤ قانون مذکور و رای دادگاه تجدید نظر انتظامی نظام پزشکی مرکز، مادام که خدمت یک ماهه خود را انجام نداده‌اند از اشتغال به حرفه های پزشکی ممنوع می‌باشند و حق خروج از کشور را ندارند.

م الف ـ ۳۶۵۵۸

سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران

کلیشه‌ای که از مطبوعات دولتی برگرفته شده، گویای برخورد رژیم با مخالفین جنگ است.

طبق قوانین ارتجاعی جمهوری اسلامی هر یک از پزشکان بایستی بر اساس برنامه زمان‌بندی شده به محل خدمت یکماهه اعزام شوند. مخالفین حضور "داوطلبانه" با لغو پروانه و سرکوب و محرومیت اجتماعی مواجه می‌شوند.

جشن‌های گرامیداشت ۱۹ بهمن

عرصه پرشکوه اعلام همبستگی با رزم و عزم فدائیان خلق

فرانسه

مراسم بزرگداشت ۱۹ بهمن، در تاریخ ۱۷ بهمن و با حضور جمع کثیری از هموطنان ایرانی و میهمانان خارجی در پاریس برگزار شد.

برنامه این مراسم با خوشامدگویی به میهمانان و یک دقیقه سکوت به احترام شهیدان فدایی و سایر فرزندان به خون خفته خلق آغاز گردید. آنگاه پیام کمیته مرکزی سازمان به‌مناسبت هفدهمین سالگرد تولد فدائیان خلق قرائت شد و بدنبال آن شعری درباره پیدایش و حیات سازمان دکلمه شد.

سپس رفیق ژاک کولاند به نمایندگی از سوی حزب کمونیست فرانسه، پیام این حزب را خواند. نمایش اسلاید در تجلیل از صلح و تقبیح جنگ، اجرای ترانه‌های مردمی توسط یک گروه موسیقی متشکل از رفقای کارگر عضو سندیکای سراسری کار فرانسه (ث.ژ.ت) و رقص‌های ارمنی و قفقازی بخش‌های بعدی برنامه را تشکیل می‌دادند که با استقبال شرکت کنندگان روبرو شدند.

مراسم بزرگداشت حماسه سیاهکل با نمایش یک فیلم از سیر مبارزات سازمان و سپس اجرای سرود انترناسیونال پایان یافت

از سوی احزاب، سازمان‌ها و شخصیت‌های زیر برای این مراسم پیام ارسال شد:

- اعضا و هواداران حزب توده ایران در فرانسه
- حزب کمونیست عراق ـ فرانسه
- کنگره ملی آفریقا ـ فرانسه
- حزب کمونیست شیلی ـ فرانسه
- هواداران حزب کمونیست لبنان در فرانسه
- اتحادیه کارگران کرد در فرانسه (کومکار)
- کمونیست‌های اروگوئه‌ای در فرانسه
- جوانان کمونیست شیلی ـ فرانسه
- کارگروار بین‌المللی برای صلح و دمکراسی در عراق و ایران ـ دفتر فرانسه
- لوئی بی‌ارت شهردار سوبوا

ژاپن

روز ۱۹ بهمن فدائیان خلق در توکیو ژاپن، همراه با جمعی از مسئولین طراز اول سازمان مترقی شیواوندو (کمیته مرکزی، بخش کارگری و بخش زنان، سازمان شاکای‌توکی، لیگ جوانان سوسیالیست ژاپن از اعضای دائمی فدراسیون جهانی جوانان دمکرات، مسئول انجمن دوستی افغانستان ـ ژاپن، مسئول انجمن ویتنام ـ ژاپن، خبرنگار مجله شوروی "عصر جدید" و عده‌ای از ایرانیان مبارز هفدهمین سالروز رزم سازمان علیه ارتجاع و امپریالیسم را گرامی داشتند.

سخنرانان این مراسم ضمن ابراز تبریک به فدائیان خواهان وحدت عمل نیروهای سیاسی مترقی برای سرنگونی هرچه سریعتر رژیم خمینی و قطع فوری جنگ خانمانسوز ایران و عراق شدند. آنها همچنین همبستگی خود را با رزمندگان سیاسی ایران اعلام داشتند و خواهان آزادی فرزندان اسیر خلق منجمله رفقا افشیروان لقمانی، رحیم اسدالهی و صمد اسلامی شدند.

در مراسم گرامیداشت حماسه سیاهکل در توکیو فیلمی از روزهای انقلاب و نقش سازمان در آن روزها به نمایش گذاشته شد که با استقبال بسیار شرکت کنندگان روبرو گردید.

کانادا

مراسم هفدهمین سالگشت میلاد فدائیان خلق در روز ۲۹ بهمن در شهر تورنتو برگزار شد. این مراسم که در آن نمایندگان حزب کمونیست کانادا و سایر نیروهای مترقی خارجی و جمعی از ایرانیان مترقی شرکت داشتند با سخنرانی رفیق "مل" نماینده کمیته مرکزی حزب کمونیست کانادا و مسئول بین‌المللی حزب افتتاح شد. وی ضمن اعلام همبستگی با فدائیان خلق، حمایت کمونیست‌های کانادایی را از مبارزات خلق ایران در راه سرنگونی رژیم خمینی ابراز داشت. دومین سخنران این مراسم شیفرز از رهبران برجسته جنبش بین‌المللی صلح که برنده جایزه صلح لنین نیز می‌باشد، آغاز گردید و سپس پیامهای تبریک از سوی نماینده حزب کمونیست بریتانیا و سازمان بریتانیای حزب دموکراتیک خلق افغانستان، حزب توده ایران ـ کنگره ملی آفریقا و انجمن دانشجویان کرد در اروپا قرائت گردید. همچنین پیام ارسالی حزب کمونیست افریقای جنوبی ـ مجمع ملی زنان و جنب کمونیست ترکیه توسط مجری برنامه خوانده شد.

در همین پیامها چند سرود توسط گروه کر سازمان در بریتانیا اجرا گردید. هنرمندان برجسته جنبش کارگری بریتانیا، ماریاتالی و دیویرن... نیز برنامه‌هایی اجرا کردند.

بریتانیا

جشن سالگرد سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در بریتانیا روز ۱۲ فوریه با شرکت جمع کثیری از شخصیتهای برجسته بین‌المللی و دوستداران در شهر لندن برگزار گردید. سالن جشن با شعارهائی با مضمون مبارزه بر علیه خفقان و برای آزادی زندانیان سیاسی تزئین شده بود. در دورادور دیوار سالن تصاویر شهدای سازمان نصب گردیده بود. نمایشگاههای جنگ، زنان و سازمان درعرصه بین‌المللی مورد توجه بسیار مدعوین خارجی قرار گرفته بود. ویدئوی تاریخ جنبش که در ابتدای برنامه اجرا گردید نیز برای بسیاری از دوستداران ایرانی سازمان جالب توجه و خاطره انگیز بود.

برنامه با سخنرانی گوردون

یونان

هفدهمین سالگشت بنیادگذاری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ساعت ۷ بعداظهر روز ۲۵ بهمن و با شرکت گروهی از هموطنان‌مان در فضایی مملو از پیوندهای دوستانه جشن گرفته شد.

در ابتدای برنامه‌ها شعری از سعید سلطانپور و تاریخچه‌ای از سازمان قرائت گردید. سپس پیام کمیته مرکزی سازمان خطاب به اعضاء و هواداران خوانده شد.

بخش‌های بعدی این مراسم به خواندن خاطراتی از زندان، اجرای یک قطعه پانتومیم، قرائت داستان کوتاهی از زندگی یک خانواده سیاسی و مبارزو... اختصاص داشت.

این مراسم با دکلمه شعری از مانی و اجرای چند آهنگ محلی و سرود بپایان رسید.

شمایندهٔ کنگرهٔ ملی آفریقا در تورنتو بود. او در سخنان خود با اشاره بر روابط پنهانی حکومت خمینی با رژیم نژادپرست بوتا در آفریقای جنوبی اظهار داشت، رژیم جمهوری اسلامی برخلاف تبلیغات پر سر و صدا در به اصطلاح حمایت از مبارزه مردم آفریقای جنوبی در عمل از نژادپرست‌های حاکم بر این کشور اسلحه می‌خرد.

در بخش‌های هنری این مراسم گروه کُر فدایی با اجرای ترانه سرودهای انقلابی و گروه موزیک شیلیایی با نوای ساز و آواز سرودهای انقلابی آفریدند.

در قسمت پایانی مراسم بزرگداشت ۱۹ بهمن در تورنتو یک نمایش ویدئویی از رویدادهای تازه ایران و فعالیتی از تاریخچه مبارزات سازمان توجه میهمانان را به خود جلب کرد.

هلند

شامگاه اول اسفند بیش از ۲۰۰ تن از هموطنان ما در شهر آمستردام گرد آمدند تا به همراه فداییان خلق هفدهمین سالگشت رزم دلاورانه خلق در راه سعادت توده‌های رنجدیده میهنمان را گرامی بدارند. مراسم گرامیداشت ۱۹ بهمن در آمستردام، مراسم همبستگی با فداییان بود. در این مراسم مبارزین ترک، پرتغالی، هلندی، اندونزیایی و عراقی - حمایت خویش را از پیکار دشوار فداییان برای استقرار صلح و آزادی در ایران اعلام داشتند و برای آنها آرزوی موفقیت کردند.

برنامه با یک دقیقه سکوت بیاد همه فداییان و مبارزینی که در راه آرمان‌های انقلابی جان باختند، آغاز گردید و دبیر آن پیام کمیته مرکزی سازمان قرائت شد. آنگاه پیش از آنکه پیام حزب کمونیست ترکیه قرائت شود، مجریان برنامه با اشاره به اقدام قهرمانانه رفقا کوتلو و سارکین عمل شقیق رژیم ناتوبی ترکیه در ربودن این رهبران کارگران و کمونیست‌های ترکیه را محکوم کرده، خواهان آزادی آنها شدند.

پس از قرائت پیام رفقای ترک، یکی از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست هلند پیام همبستگی کمونیست‌های هلند با سازمان و تمامی رزمندگان آن را قرائت کرد.

اسامی سایر نیروهایی که پیامهایشان در این مراسم خوانده شد عبارتند از:

- حزب کمونیست‌های هلند (کمیته مرکزی)
- حزب کمونیست عراق
- حزب کمونیست پرتغال
- جبهه ملی اندونزی
- سازمان زنان برای صلح
- کمیته بین‌المللی زنان برای صلح و دمکراسی در هلند

مراسم گرامیداشت هفدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان در هلند با اجرای برنامه‌های متنوع هنری و سرود انترناسیونال به پایان رسید.

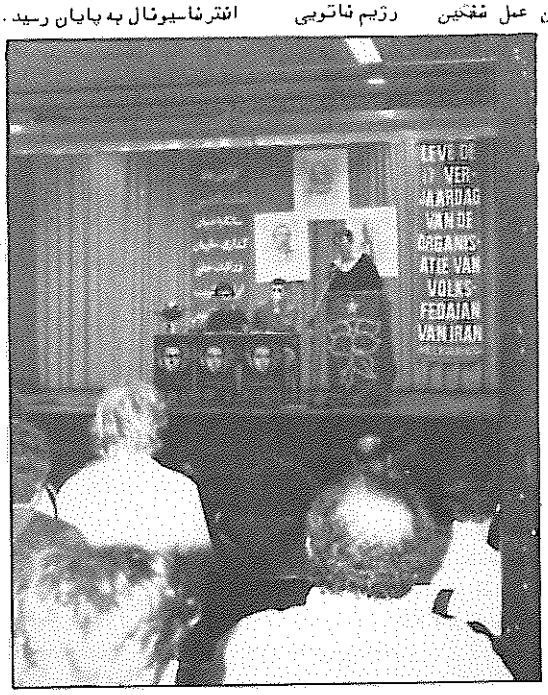

شهادت فدایی خلق رفیق علیرضا اکبری شاندیز

بقیه از صفحه اول

موضع و مبارزه‌اش علیه رژیم خمینی، به جوخه اعدام سپردند. رفیق جواد نشان داد که با سازمان و مردم است و با سازمان و مردم خواهد ماند. او خوب می‌دانست که با افشای راهی که در زندان در پیش گرفته، او را قطعا به جوخه اعدام می‌سپارند، اما تردید نکرد. او پیش رفت و تا آنجا پیش رفت که راز فاش شد و به جوخه اعدام سپرده شد.

رفیق جواد نشان داد که می‌تواند روزها، تلخ و تاریک را پشت سر گذارد و مشعل امید به ادامه پیروزمند پیکار علیه این اهریمنان را در دل خویش شعله‌ور سازد. او جانش را نثار کرد تا شرف و افتخار کمونیست بودن را پاس بدارد.

هم میهنان مبارز!

سران رژیم ورشکسته خمینی، با کشتار فرزندان انقلابی خلق و ترور زندانیان سیاسی که در زیر ساطور جوخه‌کشان جلادان اوین به پیکار علیه ارتجاع و امپریالیسم ادامه می‌دهند، از فدائیان خلق و همه مبارزان راستین راه صلح، آزادی، و عدالت اجتماعی، انتقام می‌گیرند. آنها که انقلاب را زیر پای سرمایه‌داران قربانی کردند، با کشتار شریف‌ترین فرزندان خلق، راه گسترش روابط استثمارگرانه با امپریالیست‌ها را هموار می‌کنند.

آنها که کشور را در باتلاق جنگ ضدملی و ضدمردمی غرق کرده و بر ثروت ملی و دسترنج زحمتکشان کشور، چوب حراج زده‌اند، ندای عدالت‌خواهانه و صلح‌طلبانه شما مردم را با ترور فرزندان اسیرتان، پاسخ می‌گویند. تا با خیال خام خود، فریاد صلح، آزادی و عدالت را در میهن زجردیده ما خاموش سازند.

مردم مبارز و زحمتکش ایران!

رفیق اکبری یکی از صدها فدایی شهید است که در پیکار علیه نظام ستم و نابرابری به شهادت رسیده‌اند. کینه بی‌پایان رژیم نسبت به فدائیان خلق به خاطر آن است که سازمان ما در برابر جنایتکاران جنگ‌طلب، آزادی‌کش و استقلال‌شکن با سربلندی ایستاده است و از صلح، آزادی و منافع زحمتکشان دفاع می‌کند. رفقای ما را به جرم دفاع از کارگران و زحمتکشان و به خاطر دفاع از شرف و انسانیت، به جوخه اعدام می‌سپارند.

فقهای کوردل و سیاه‌کار، با ارتکاب جنایات هولناک و کشتار اسرای دربند، می‌خواهند که انقلابیون خلق را مرعوب سازند و آنان را از پیکار در راه سرنگونی رژیم سراپا ننگ و فساد جمهوری اسلامی بازدارند و مرگ محتوم خود را چند صباحی به عقب اندازند. اما این تبهکاری‌ها، عزم ما را در ادامه پیکار انقلابی و پیشاپیش زحمتکشان ایران، راسخ‌تر می‌سازد.

کارگران و زحمتکشان مبارز!

با گسترش مبارزه علیه رژیم جنایتکار خمینی، از تکرار جنایات رژیم جلوگیری کنید! علیه بازداشت، شکنجه و ترور انقلابیون اعتراض کنید! سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، متفکر استوار رزمندگان راه صلح، دمکراسی، استقلال و سوسیالیسم است! از رزمندگان فدایی پشتیبانی کنید!

رفقا و همرزمان!

رفیق جواد که در شرایط دشوار شکنجه‌گاه اوین، بار دیگر پیکار تا پای جان را با مهارت و پیچیدگی خاصی برگزید، به فرجام کاری که بدان دست یازید، نیک آگاه بود. او این راه را برگزید، تا سنت فدائیان که پیکار در راه توده‌ها تا آخرین لحظه حیات است، زنده بماند. با تداوم مبارزه بی‌امان علیه رژیم چهل و جنایت جمهوری اسلامی، راه سراسر حماسه و پیکار شهدای گرانقدر سازمان را پی بگیریم. اندوه و شهادت رفیق جواد را با خشم و کینه‌ای فزونتر نسبت به دشمنان مردم و با مبارزه یکپارچه و مصمم‌تر در راه تامین صلح، دمکراسی و استقلال و در راه آرمان مقدس سوسیالیسم، پاسخ گوییم.

کمیته مرکزی سازمان، یاد رفیق اکبری عضو هیات سیاسی را گرامی داشته، مراتب تسلیت و همدردی خود را به خانواده رفیق تقدیم می‌دارد.

گرامی باد خاطره فدایی خلق، رفیق علیرضا اکبری شاندیز
در اهتزاز باد پرچم رزم فدائیان
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
اسفندماه ۱۳۶۶

www.iran-archive.com

شیرزن فدایی: شیدا بهزادی تهرانی

خطابه پنجم

میرزاآقا عسکری (مانی)

تا مارا !
از کلویت آوازهای غمگینی می گذرد
و در سینه‌ات
پرستوئی نیمه جان می موید .
سرودهای سرخ را
از دیوارهای شهر
می شویند
و معماران
قصری جادوئی بنا نهاده‌اند
تا هیولائی بدیوش
از بلکان حیات خویش
به فراز بر شود .
گیسوی زیبایت را
دوباره بباف تامارا !
هرچند که عشق
همچون اسبی سرگردان
سنگسار می شود
ودر چشمانت
ترانه‌ئی تاریک
باران می شود
و درشکه‌ئی قدیمی
عروسی سوگوار را
در میدان می چرخاند .
برای چه غمگینی تامارا ؟
هنوز هم آن شیفته
قلبش را
همچون نارنجکی به کف دارد
چه زیبنده است براو جامهٔ مرگ
و مرگ از او
چه باوقار می گذرد !
هرشهید
ستارهٔ کوچکی ست
که به شهر هدیه می شود
به تو تامارا !
برای چه غمگینی ؟
شهرتاریک را بزودی
رودی از ستاره
خواهد گذشت !
چشمانت را از شیون تهی کن
هنوز اسب سفید زاپاتا
در کوهستان
شیهه برمی کشد .
مرگ ازما شوکت خواهد گرفت
و درشکه‌ئی سیاهپوش
ترا
در میدان خواهد چرخاند
مرگ از ما زاده می شود وما
از مرگ
برای دلیران
از لبخندت
خورشیدی کن !
نام تو
بردیوارهای شهر
ترانه خواهد شد .

سال ۵۸

گرامی باد روز جهانی زن!

بقیه از صفحه اول

حسب خواستند کرد. بخود مشارکت فزاینده زنان در مبارزات سیاسی و اجتماعی، رهایی او قید و بند شخصیت است، قید و بند باور نداشتن به نیروی خود.

شاید در کمتر کشوری در حد ایران تناقضی چنین فاحش میان سطح آگاهی زنان و پیشیفه درخشان مبارزات مستقل آنان و مشارکتشان در نبردهای عظیم تاریخ معاصر او یک سو، و جایگاهی که این قیمه جامعه در نظام اجتماعی به خود اختصاص می‌دهد، از سوی دیگر، وجود داشته باشد. زنان ایران در همه تحولات عمده سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در ایران معاصر، نقش تعیین کننده‌ای داشتند. مبارزات سیاسی، فعالیت اقتصادی و فرهنگی در میهن ما مهر شرکت موثر زنان را خورده است. در عین حال، نقض حقوق زنان در کمتر کشوری به آشکاری و خشونتی است که در میهن ما صورت می‌پذیرد.

نمی‌خواهیم علل پیدایش این تناقض را بررسی کنیم. این تناقض، مسئله زنان را در میهن ما دارای ابعادی فزون‌تر از یک کشور بحران‌زده سرمایه‌داری با مختصات معمول آن کرده است. در ایران رژیمی حکمفرماست که حتی تعارفات معمول حکومت‌های سرمایه‌داری درباره برابر حقوقی زنان و مردان را هم به کنار نهاده است. در جمهوری اسلامی، زن به اندازه نصف مرد ارزش دارد، و شاید او این هم کمتر. آخوندها زن را وسیله شیطان برای فریب مرد می‌دانند و او گفتن این هم ابایی ندارند. می‌گویند زن را در زیر حجاب ضخیم، در کنج خانه‌ها پنهان و مدفون باید کرد. می‌گویند کار زن آشپزی و نظافت و بچه‌داری است، بچه‌داری تنها تا زمانی و تا حدی که به تر و خشک کردن و غذا دادن و... مربوط می‌شود، وگرنه حق سرپرستی را هم او مادران گرفته‌اند.

فهرست این حق‌کشی‌ها را می‌توان همچنان ادامه داد. فهرستی طولانی است، به همان میزانی که رژیم خمینی زن‌ستیز و آزادی‌کش است.

اما این قیمه ستم‌دیده و سرکوب شده جامعه، تنها او ولایت فقیه رنج نمی‌برد. مصایب ولایت فقیه تنها بر مصایب و فلاکت‌های یک سرمایه‌داری دستخوش بحران افزوده شده است. اگر ولایت فقیه هم نمی‌بود، تحقیر زن باز هم او عناصر اصلی روحیات و طرز فکر شیم دیگر جامعه باقی می‌ماند.

◀

www.iranarchive.com

مبارزه برای رهایی زن، محدود به مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی نیست. مردم ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنند که زنان، به‌ویژه زنان زحمتکش، در آن چه پیش و چه پس از به حکومت رسیدن آخوندها زیر بار مضاعف استثمار سرمایه‌داری و کار سنگین خانه، کمر خم می‌کنند. مادران و خواهران و دختران ما، در جامعه‌ای چشم به جهان می‌گشایند که از بام تا شام "افسان درجه دوم" بودن را به آنها القا می‌کند. آری، مبارزه با اجحافات رژیم آخوندی در حق زنان، اکنون مبرم‌ترین و مهمترین آماج جنبش زنان میهن ماست. اما تنها به شرطی می‌توان این مبارزه را پیگیر و موفقیت آمیز به پیش برد که چشم به اهدافی دراز مدت‌تر و اساسی‌تر نیز داشته باشیم. نه دمکراسی بدون مبارزه‌ای دائمی علیه زن‌ستیزی ریشه‌دار در نظام قوانین، معیارها و اخلاقیات جامعه معنی پیدا می‌کند و نه سوسیالیسم بدون رهایی زن. آری، برشمردن کارکرد زن‌ستیزانه رژیم حاکم، افشاگر این رژیم و مددرسان پیکار رهایی‌بخش ماست. اما مبادا به این افشاگری، تنها به مثابه وسیله‌ای بنگریم که فقط دارای اهمیت فرعی و تبعی است. پیکار برای محو استبداد قرون وسطایی، بسیار فوری‌تر از مبارزه برای رهایی زن به فرجام خواهد رسید. برای اینکه دمکراسی فردای ما، به دمکراسی واقعی هر چه نزدیکتر و سوسیالیسم ما، هر چه شکوفاتر باشد، باید به پیکار برای رهایی زن از هم اکنون برخوردی متناسب با جایگاه و اهمیت آن داشته باشیم. تا زنان به اهمیت پیکار و تشکل مستقل خود پی نبرند و تا مردان مبارزه با زن‌ستیزی را از خود، از وسوسه‌های خود آغاز نکنند، پیکار برای رهایی زن معنی و مفهوم نمی‌یابد.

در دفاع از حقوق زنان با رژیم ولایت فقیه مبارزه کنیم و در این مبارزه، چشم به آینده‌ای تابناک داشته باشیم که در آن ستم جنسی نیز چون ستم طبقاتی برچیده خواهد شد. این آینده، تنها با مبارزه‌ای دائمی و پیگیر، با کار بیشتر و با هم بیشتر تحقق خواهد یافت.

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بمناسبت ۸ مارس، روز جهانی زن

برای صلح، دمکراسی و سرنگونی رژیم ولایت فقیه متحد شویم!

زنان هموطن!

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، فرارسیدن هشتم مارس، روز جهانی زن را با آرزوی پیروزی مبارزه زنان و مردان ایران در راه صلح، دمکراسی و سرنگونی حکومت فقها، به همه شما شادباش می‌گوید.

با فرارسیدن ۸ مارس، زنان جهان یکسال دیگر مبارزه پرتلاش و ثمربخش بخاطر صلح پایدار جهانی و دنیای فارغ از سلاحهای هسته‌ای را پشت سر گذاشتند. کنگره جهانی زنان که در مسکو برگزار گردید، شاهد همبستگی عمیق‌تر و همه‌جانبه‌تر زنان جهان در مبارزه بخاطر صلح، دمکراسی، برابری و پیشرفت اجتماعی بود. در جهان سرمایه‌داری، جنبش دمکراتیک زنان در پیکار علیه سیاست‌های تضییقی محافل حاکم و در راه تامین حقوق و آزادیهای دمکراتیک زنان، گامهای بلندی را به پیش برداشت. در جهان سوسیالیسم، زندگی مادی و معنوی زنان در پرتو شوراوی سوسیالیسم موجود، غنا می‌یابد. اصلاحات انقلابی در کشورهای سوسیالیستی راه ارتقاء بالاتر هم بیشتر نقش و موقعیت زنان را در خانواده و جامعه می‌کشاند و الگوی شایسته‌تری را به زنان در جهان سرمایه‌داری، و برای پیروزی مبارزه‌شان عرضه می‌کند.

در حالیکه جهان شاهد پیروزیهای تازه‌تر زنان، مادران و کودکان در دستیابی به حقوق فردی، اجتماعی و سیاسی است، در رژیم فقها سیر قهقرایی زندگی زنان همچنان ادامه دارد و حقوق زنان، مادران و کودکان به نحو خشن‌تری پایمال می‌شود. رژیم ولایت فقیه بی‌اعتنا به همه تلاش‌های بین‌المللی که در راه ایجاد شرایط بهتر زندگی برای زنان و کودکان صورت می‌گیرد، با ادامه جنگ، تشدید خفقان، تشدید تبعیض علیه حقوق زن و مرد، و نقض حقوق و آزادیهای دمکراتیک شهروندان و به ویژه زنان، زندگی پررنجی را به خانواده‌های ایرانی تحمیل کرده است.

زنان هموطن!

رژیم فقها، در پی بسیج و اعزام اجباری جوانان و نوجوانان به جبهه‌ها و پیرو فرمان "جهاد مالی و جانی"، طرح بسیج زنان برای آموزش نظامی و شرکت در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها را به اجرا گذاشته است. چکمه‌پوشان خمینی می‌کوشند با توسل به شیوه‌های مختلف، زنان را در "گردانهای انصارالمجاهدین" جهت به اصطلاح حمایت از خانواده‌های جنگ‌رفتگان، سازمان دهند. رژیم در حالیکه زنان شاغل را گروه گروه از واحدهای تولیدی و خدماتی اخراج می‌کند، طرح بسیج زنان برای پرکردن ۲۰ درصد سهمیه اعزام به جبهه را، در ادارات و کارخانجات پیش کشیده است. فقها می‌کوشند مادران، فرزندان خود را با روحیه "شهادت‌طلبی" یعنی برای قربانی شدن در مسلخ جنگ، تربیت کنند. ادامه جنگ خانواده‌ها را از گرفتار مصائب بی‌شمار کرده است. در اثر ادامه جنگ، صدها هزار خانواده بی‌سرپرست شده، شرف و حیثیت بسیاری از زنان و دختران به عرصه تاراج نهاده شده و فساد و فحشا به نحو بی‌سابقه‌ای گسترش یافته است. ادامه جنگ و حکومت آخوندی، باعث گسترش بی‌سابقه چندهمسری برای مردان و رواج نفرت‌انگیز انواع صیغه‌ها شده است. باید قاطعانه علیه ادامه جنگ، علیه اعزام زنان به جبهه‌ها و علیه رژیم جنگ‌طلب و زن‌ستیز فقها مبارزه کرد.

مادران و خواهران!

دستگیری، شکنجه و اعدام زنان و مردان انقلابی و آزاده همچنان ادامه دارد. آخرین اخباری که از زندانهای رژیم به خارج درز کرده است، حاکی است که جان حدود ۷۰ زندانی دیگر در خطر مرگ قرار گرفته است. وجود انبوه زنان روشنفکر در سیاهچالهای رژیم، از سویی بیانگر اوج و شدت استبداد و از سوی دیگر، نشانه گسترش ابعاد مبارزه در میان زنان است. شهادت صدها زن انقلابی در بند، در زیر شکنجه و یا میدانهای اعدام و استقامت و شهادتطلبی زنان پیکارجو در زندانهای خمینی، معرف تخصیص مبارز زنان ایران و تجلی مقاومت روزمره‌یانه زنان در برابر خودکامگی رژیم فقها است. زندانیان خمینی شاهد دلاوری خواهران، فرزندان و برادران شما است. برای نجات جان عزیزان خود متحد شوید و مبارزه کنید! با همه امکاناتی که در اختیار دارید، از مبارزه خانواده‌های زندانیان سیاسی و از آزادی همه زندانیان پشتیبانی کنید!

زنان آزاداندیش ایران!

رویدادهای کنونی کشور نشان می‌دهد که جامعه در برابر تحمیلات ارتجاعی رژیم فقها مقاومت می‌کند. نقش زنان در این عرصه چشمگیر است. رژیم نتوانسته است به دلخواه خود هر قانون و حکم ارتجاعی را به زنان تحمیل کند. اجرای قوانین سیاه قصاص و تعزیرات اسلامی و تکرار جنایات تنگیبی چون سنگسار زنان، جز انزجار عمیق‌تر زنان و همه آحاد جامعه به رژیم جمهوری اسلامی، حاصل دیگری نداشته است. رژیم خمینی، زن‌ستیز و پایمال کننده حقوق شما است. از نظر فقها، زن کنیز مرد وسیله عشرت آن و تولید مثل است. قوانین فقها حتی حضانت فرزند را از زنان سلب و شایر ابری حقوق زن با مرد را تثبیت می‌کند. علیه تحمیل حجاب، تبلیغ و تثبیت نابرابری زن و مرد و برای کسب حقوق و آزادیهای دمکراتیک خود مبارزه کنید و متحد شوید.

زنان و مردان فدایی!

تبدیل مقاومت زنان، به جنبش فعال و سراسری، از الزامات جنبش دمکراتیک زنان ایران در مقطع کنونی است. برای گسترش دامنه مبارزات زنان و ارتقا آن به سطح جنبشی فراگیر و یکپارچه، ضروریست که این مقاومت از یک رهبری واحد توسط زنان انقلابی و دمکرات کشور، برخوردار گردد. نقش زنان فدایی در فراهم آوردن چنین شرایطی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زنان فدایی با اتکا به تجارب گرانقدر و سنن پربار مبارزاتی زنان میهن در انقلاب بهمن و با کار آگاهگرانه، پرحوصله و قداکارانه در میان توده زنان، به سوی خود راه بسیج و سازمانگری زنان در جنبش دمکراتیک زنان ایران را هموار خواهند کرد.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مدافع استوار دفاع از حقوق زنان، مادران و کودکان میهن ماست. زنان فدایی با پیشبرد همانباز انه سیاست‌های سازمان خود در میان زنان و تمامی مردم، توجه و علاقه زنان محروم و زحمتکش جامعه را بیش از گذشته به اهداف عالی سازمان جلب می‌کنند. جلب و جذب زنان به ویژه زنان رنجبر کشور به صفوف سازمان، وظیفه هر زن فدایی است.

کمیته مرکزی سازمان، تلاش پرنرنج و قهرمانانه زنان و مردان فدایی در هدایت و سازمانگری جنبش صلح‌خواهانه و دمکراتیک زنان ایران را ارج می‌گذارد.

کمیته مرکزی سازمان با اعتقادی خدشه‌ناپذیر به آزادی واقعی و برابری کامل زنان با مردان بر پایه محو هرگونه ستم طبقاتی و اجتماعی و با احترامی عمیق به مقام شامخ زن، بار دیگر هشتم مارس را به عموم زنان هموطن تبریک می‌گوید.

فرخنده باد ۸ مارس، روز جهانی زن!

برقرار باد برابری حقوق زنان با مردان!

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

اسفند ماه ۱۳۶۶

www.iran-archive.com

تزهای زیر را، که فشرده دیدگاه مارکسیسم ـ لنینیسم در قبال مساله زن است، چهار زن کمونیست آلمانی، به رشته تحریر در آورده اند. سوزانه آلنکر، کلاودیا باکوبز، رگینا کنلساک و پاتریتسیا رایشرل عضو حزب سوسیالیست متحده برلین غربی هستند و او مسئولین زنان این حزب. آنها جزو صاحب نظران عرصه فعالیت خود هستند. مقاله آنها درشماره اول سال ۱۹۸۸ نشریه "کنسه کوینت" فصلنامه تئوریک حزب سوسیالیست متحده برلین غربی، انتشار یافته است. در مورد "تزها" تذکر زیر ضروری به نظر می رسد،

برخی از اندیشه ها، ارایه شده در "تزها"، همانگونه که نویسندگان آن ادعا دارند، مورد بحثند. حول آنها در چارچوبه دیدگاه مارکسیستی ـ لنینیستی نظرات مختلفی وجود دارد. بحث خلاق بر روی آنها و خودداری از دگماتیزه کردن این یا آن نظر، به غنای تئوری مارکسیستی ـ لنینیستی زن می افزاید، دانش انقلابی را تکامل می بخشد و عمل انقلابی کار در میان توده زنان را ارتقا می دهد.

توجه به این موضوع از آنرو اهمیت دارد که دانش تئوریک ما در زمینه مسائل زنان به شکل دردناکی پایین است. این آیا خود جلوه مستقیمی از ستم بر زنان نیست؟ به فارسی آثار نادری در مورد مساله زنان ترجمه و یا تالیف شده است. ادبیات سیاسی ما در این زمینه محدود به خرده مقاله هایی افشاگر است. و وای بر ما وقتی که شناخت اندک خود را در این زمینه با ستم عظیمی که بر زنان میهنمان می رود، می سنجیم. شاید مطالعه "تزها" دست کم به ما یادآور کند که تا چه حد در این زمینه انقلابی ـ ایدئولوژیک عقب مانده ایم.

اگر بخواهیم در جهت قابل آمدن بر عقب ماندگیمان در این عرصه، تلاش کنیم، باید از ابتدا مواظب دو انحراف باشیم. یک انحراف این است، مساله ما مقابله با سنگسار و حجاب و چند همسری و صیغه و ممنوعیت شغلی برای زنان و هزار مساله دیگری است که در یک کادر قرون وسطایی می گنجد. ما را با این بحث های پیش افتاده به کجا؟ تئوری مساله به ماجه ربطی دارد و انحراف دوم این است که سرمان را به مجردات گرم کنیم و با آنچه که برای ما حکم مجردات را دارند، و در این میان زن ابر انی همچنان سنگسار می شود، هم چنان در بند حجاب است و اسیر قفس خانه. شاید احساس مسئولیت انقلابی و توجه عمیق به این سخن که "بدون یک تئوری انقلابی (که چون انقلابی است و نه روشنفکرانه، مشخص است) نمی تواند یک جنبش انقلابی وجود داشته باشد" ما را از این دو انحراف، مصون دارند.

با هم "تزها" را می خوانیم،

"ما خواهان همه چیزیم و این البته چیز زیادی نیست."

تزهایی در زمینه آزادی زن

نوشته: سوزانه آلنکر، کلاودیا باکوبز، رگینا کنلساک، پاتریتسیا رایشرل

تئوری مارکسیستی ـ لنینیستی آزادی زن، مقدم بر همه در زمینه مسائل زیر، به اندازه کافی تکامل نیافته است،

ـ درک وضعیت زنان (به لحاظ تاریخی، در حال حاضر و در چشم انداز آینده)،

ـ تحقیق بر روی علل ستم بر زنان،

ـ تحقیق بر روی پیوند بین ستم طبقاتی و ستم جنسی،

ـ چشم اندازهای رهایی زن،

ـ ارائه رهنمودهای عملی متکامل تری برای رفع ستم بر زنان.

در هنگام بحث و جدل بر سر علل ستم بر زنان و استراتژی رهایی، ما معمولا از این زاویه مورد حمله و انتقاد قرار می گیریم که ایدئولوژی، ما یعنی مارکسیسم ـ لنینیسم، قادر به توضیح تئوریک کامل علل ستم بر زنان نیست و نمی تواند چشم اندازهای اقناع کننده ای را برای رفع این ستم، ارائه دهد. این انتقاد ناروا است. ما بر این عقیده ایم که ارائه یک تئوری در زمینه آزادی زن تنها بر اساس ماتریالیسم دیالکتیک و تاریخی و به عنوان ثمره تکامل و غنای بیشتر تئوری مارکسیستی ـ لنینیستی جامعه میسر است.

کلاسیکهای مارکسیستی در مورد جنبه های مختلف مساله موضع گرفته اند، گذشته و حال موقعیت زنان را تحلیل کرده اند و کوشیده اند نظریات تعمیم یافته ای در زمینه علل ستم بر زنان، عوامل بروز آن و شرایط رفع آن را، ارائه دهند.

ما در زیر می کوشیم مبانی نگرش مارکسیستی به مساله زن را به صورت مجموعه ای از تزها، به رشته تحریر درآوریم. از آن جایی که خواهان تکامل این تئوری در زمینه آزادی زن هستیم، بر روی مسائل به حد کافی کار نشده نیز، انگشت گذاشته ایم البته در زمینه مسائل کم کار شده می توان سیاهه طویلتری از پرسشهای مختلف، از چگونگی شروع ستم بر زنان در جامعه اولیه گرفته تا چگونگی پیوند بین ستم طبقاتی و جنسی در سرمایه داری و بالاخره شرایط و چشم اندازهای رهایی در سوسیالیسم، ارائه کرد. ما در زیر به صورت بندیهای اجتماعی پیش از سرمایه داری نپرداخته ایم. یک تحلیل تاریخی در این زمینه تنها به صورت مجموعه ای از احکام موجود است.

الف ـ ستم بر زنان با شکل گیری مالکیت خصوصی بر وسایل تولید، پیوند دارد.

۱ ـ در هر صورتبندی اجتماعی باید علل ستم بر زنان به صورت تاریخی ـ مشخص، بررسی قرار گیرد. از آنجایی که بر زنان در تمام طول تاریخ جوامع طبقاتی ستم رفته است، لازم است به دنبال منشاء عام ترین علت این ستم نیز باشیم. در این زمینه انگلس در سال ۱۸۸۴ در کتاب "منشاء خانواده، مالکیت خصوصی و دولت"، احکام بنیادی را ارائه کرده است. باید توجه داشت، که آن از هنگام تاکنون بسیاری از داده های جداگانه این اثر می بایست تصحیح و تکمیل می شدند. نتایج تاوه ترین تحقیقات مارکسیستی در زمینه گرایشهای اصلی روند تکامل تاریخ این حکم پایه ای را تائید کرده و مستدلتر می سازد که شکل گیری ستم بر زنان همبسته با شکل گیری مالکیت خصوصی بر وسایل تولید است. در این مورد باید توجه داشت که فرایند واقعی تاریخی بسیار پیچیده تر و به مراتب تناقض آمیزتر از آن است که بتوان آنرا در قالب گرایشهای تعمیم یافته و خشک و بی تنوعی، بازنمایی کرد. نکته مهم در اینجا "تبدل" تقسیم کار طبیعی مبتنی بر ویژگی جنسی به تقسیم کار اجتماعی است. در این زمینه این پرسش مطرح است، چه هنگام، چگونه و چرا تفاوت در جنسیت مغجر به اختلاف (در جایگاه اجتماعی) شد؟

۲ ـ نخستین صورت بندی اجتماعی ـ اقتصادی، حدودا ۴۰۰۰ سال پیش پدید آمد. این صورتبندی به اعتبار این که در آن بر وسایل تولید ـ اساسا زمین ـ مالکیت خصوصی برقرار نیست، "کمونیسم اولیه" نامیده می شود که جامعه ای بی طبقه است. سازمان اجتماعی چنین جامعه ای اساسا مبتنی بر وابستگی خونی به یک کلان (سیب یا ژنس) است. پدید آمدن تفاوت اجتماعی بین اعضای کلان نتیجه تکامل بیشتر نیروهای مولده است. در ارتباط با همین پدیده است که باید بر روز تفاوت در جایگاه اجتماعی دو جنس را ـ که در آغاز مغزلت یکسانی داشتند ـ پی گرفت. این سمت اصلی و عام تحول است که در کنار آن باید از زاویه چند و چون تکامل نیروهای مولده و شرایط منطقه ای، مجموعه خودویژگی های هر جامعه معین را مورد توجه قرار داد.

۳ ـ مشخصه دوره طولانی تکار و گردآوری خوراک، بیشترین وابستگی به طبیعت است که در نتیجه آن یک تقسیم کار جنسی ساده، شکل می گیرد. در این دوره زن ـ به عنوان جنس زاینده و پرورش دهنده کودکان که پیوستگی تنگاتنگتری با محل ثابت استقرار کلان دارد ـ عمدتا به عنوان گردآورنده خوراک در معاش عمومی شرکت می جوید، در حالی که مرد عهده دار امر شکار است. ما در نامگذاری این تقسیم کار بین دو جنس، با اصطلاح "تقسیم کار طبیعی"، اکثر در آن "طبیعی" به معنی فطری و ذاتی بوده و به یک تعیین گرایی بی چون و چرای زیست شناسانه اشاره داشته باشد، مخالفیم. ما به جای این اصطلاح، اصطلاح "تقسیم کار ساده اولیه" را ترجیح می دهیم. این اصطلاح ناظر بر نوعی مشخص از تولید و سطح نازل تکامل چگونگی کسب معاش است، که در آن حد تکامل اقتصادی زمینه ساز تقسیم کار او زاویه زیست شناسانه می شود. این تقسیم کار اما منجر به وابستگی اقتصادی، یک جنس به جنس دیگر نشد و بیش از شکل گرفتن آن نیز، همچنان خوراک بر مبنای اصل "اشتراک" تقسیم می شد.

سازمانیابی لایه ای، شکل عام سازمانیابی جامعه اولیه بوده است. اما بر زمینه این شکل عام، باید بر مبنای تحقیقات تاوه بر روی جامعه اولیه و دستاوردهای جدید قوام شناسی، در درون جوامع مبتنی بر "کلان"، شکل های گوناگون نحوه تشکیل واحدهای معیشتی کوچکتر را ـ که کوچکی و بزرگی آنها در موارد مختلف، مختلف است ـ در نظر

◄

www.iran-archive.com

داشت. به همین دلیل باید شکلهای مختلفی را برای انقیاد عام برون همسری (اگزینش همسر در خارج از طایفه) فرض کرد. در یک حالت مرد به کلان زن می‌پیوسته است، در حالت دیگر برعکس. و در صورتی که کلان در کنار هم دیگر می‌زیسته‌اند، هم زن و هم مرد عضو خود باقی می‌مانده‌اند و یا گاه در میان این کلان و در میان آن کلان سکنی می‌گزیده‌اند. بر اساس تنوع روابط دو جنس در کوچکترین واحدهای معیشتی می‌توان به این حکم عام رسید که این واحدها در درون کلان کلکتیوهای پایداری کار و زندگی بوده‌اند. تعلق به یک کلان از طریق تبار مادری تعیین می‌شده است. این خصیصه "مادرتباری" نام دارد.

۴ـ با تقسیم کار جنسی، تکامل بیشتر نیروهای مولده امکان‌پذیر شد. در طی چند دوره ـ بسته به شرایط اقلیمی ـ زراعت و گله‌داری تکامل یافت. تلفیق کار کشاورزی و دامپروری به پیشرفت جامعه سرعت بسیاری داد. این "انقلاب کشاورزی"، که نخست حدود ۱۰۰۰۰ سال پیش در خاور نزدیک صورت گرفت، به معنی نوع تحول یافته‌ای از سازماندهی کار و افزایش بارآوری آن بود. به میزانی که بشر توانست در قرایند تامین معاش خود موثرتر واقع شود، مشاغل مختلف، ارزشهای مختلفی یافتند. هنگامی که تولید اضافی به یک قاعده تبدیل شد تقسیم کار بیش به تقسیم حاصل تولید بر مبنای کار انجام شده نیز، تقویت گردید. این امر تفاوت گذاری اجتماعی در درون کلان را به همراه آورد. بر همین اساس تفاوت گذاری جنسی نیز امکان‌پذیر شد. تفاوت گذاری بر مبنای بارآوری عرصه‌های مختلف کار، صورت می‌گرفت. در جوامعی که زراعت، شکل غالب تولید معاش بود، نقش زنان و در جوامعی که عمدتا از طریق پرورش دام، گذران زندگی صورت می‌گرفت، نقش مردان برجسته‌تر شد.

اصطلاح "مادرسالاری"، که بیانگر گونه‌ای از سالار بودن زنان در دوره جامعه اولیه است و در تحقیقات مارکسیستی نیز به کار می‌رود، جوهره شکل سازمانیابی اجتماعی جامعه اولیه را بازتاب نمی‌دهد. این که بعضا دیده شده است زنان نقش مقدم را در جامعه داشته باشند، همراه با این پدیده نیز بوده است که مردان هم در رهبری جامعه شرکت داشته‌اند و یا حتی امر رهبری صرفا در اختیار آنان بوده است.

۵ـ تراکم‌یابی تولید اضافی، تقسیم کارهای اجتماعی بعدی (صنعت دستی و تجارت) را به همراه آورد. بر این مبنا شکل‌های تازه همکاری و عناصر یک تولید کالایی ساده پدید آمد. افزایش سلطه فردی بر روی وسایل تولید و تصاحب فردی محصول کار در تضاد با اصل مالکیت اشتراکی بود. با تفاوت‌یابی افراد به لحاظ دارایی در درون کلان، اضمحلال کلان آغاز شد، اما همپای گسست کلان، کارکرد اقتصادی کوچکترین واحدهای معیشتی، افزایش یافت.

تحرک بیشتر مردان و تمرکزیابی آنها در فعالیت‌هایی که نیروی جسمانی بالایی را می‌طلبید، می‌توانند از جمله آن عواملی باشند که مفجر به ایفای نقش تعیین‌کننده از سوی جنس مرد شدند. تمایل به تصاحب تولید اضافی مفجر به تلاش برای اعمال سلطه بر روی دیگر مردان کلان و در درون واحدهای معیشتی اعمال سلطه بر روی زنان شد. در درون کلان یک اشرافیت شکل گرفت و در واحدهای معیشتی سلطه مردان تحکیم گردید. در اینجا بود که "پدرسالاری" حکم یک قاعده را یافت. برای این که ارث‌بری فرزندان میسر شود، فرزندان و مادر آنها به اجزاء ثابت خانه تبدیل شدند. به دیگر سخن تک‌شوهری پدید آمد. این مقطع را می‌توان آغاز ستم بر زنان و مفهوم ویژه یافتن "مادگی" دانست.

اعمال سلطه از سوی اشرافیت کلان و مردان به‌طور کلی، ستیز و تخاصم را از پی آورد. جزئیات این امر که چگونه ستیزه‌جویی دامن‌گستر شد، هنوز به‌طور دقیق روشن نیست. در این زمینه داده‌های مختلفی وجود دارد. متناسب با سیر تکوین یک طبقه حاکم و سلطه‌جویی آن، روند بهره‌کشی از اقوام خود، و سپس اقوام و طوایف دیگر شدت گرفت. جنگ، برده‌داری را پدید آورد. در آغاز مردان اسیر شده را می‌کشتند. از این رو زنان، نخستین بردگان بودند.

۶ـ در دوره‌های آغازین جامعه اولیه، منفعت عمومی درجه تضمین بقا نیروی محرکه اجتماعی بود. در دوره‌های بعد، یعنی در مرحله فروپاشی جامعه اولیه و گذار به فخستین جامعه طبقاتی، علایق فردی در تصاحب تولید اضافی، به نیروی محرک بدل شد. این که ایدئولوژی (به‌طور مشخص مذهب) تا چه حد در تحکیم پدیده سلطه‌یابی نقش ایفا کرد، مساله دیگری است که هنوز توضیح داده نشده است.

با فروپاشی جامعه اولیه، اقوام‌یلت اجتماعی زنان کاسته شد. آنها نمی‌توانستند آن بخش از تولید اضافی را که ثمره کار خودشان بود، تصاحب کنند. جدایی بین تولید و باز تولید و ارزشگذاری متفاوت بر روی آنها ـ پدیده‌ای که خصیصه عام سرمایه‌داری است ـ منشاء در این مرحله از تاریخ دارد.

به گفته انگلس، با تکوین جوامع مبتنی بر تخاصم طبقاتی و پدید آمدن خانواده‌های تک‌شوهر "مرد در خانه فرمانروا شد، زن فرودست شد، به برده تبدیل شد و حکم وسیله‌ای برای کامرانی و تولید بچه را یافت." (۱) انگلس در اینجا مراحل و کارکردهای اصلی ستم بر زنان را به‌خوبی‌فشرده، بیان داشته است. وجوه مختلف این ستم که در همه جوامع طبقاتی بر زندگی و هویت زنان مهر و نشان خود را باقی نهاده‌اند، عبارتند از: وابستگی و استثمار اقتصادی، ظلم و تبعیض اجتماعی، سیاسی، حقوقی و شخصی، تبدیل شدن به وسیله کامرانی جنسی، محدود شدن در چارچوب تولید مثل. برای این که بتوانیم به لحاظ تاریخی درک روشنی از ستم بر زنان داشته باشیم، باید همه این وجوه ستمهای پدرسالارانه و دارای بار طبقاتی را در سطوح مختلف رشد نیروهای مولده و روابط تولیدی، به‌طور مشخص باز شناسی و تحلیل کنیم.

ب ـ پیوند ستم طبقاتی و ستم جنسی در سرمایه‌داری

۱ـ با استقرار شیوه تولید سرمایه‌داری، شرایط عینی شرکت زنان در روندهای اجتماعی، دگرگون شد. این تحول، تحولی بود در چارچوب روابط استثماری مبتنی بر مالکیت خصوصی و تضاد جنسی چندهزارساله. این تحول بر روی شرایط زندگی زنان همه اقشار و طبقات تاثیر نهاد. رشد نیروهای مولده جدایی بین تولید و بازتولید را شدت بخشید. یک سمت تاثیر این جدایی، الغای خانواده به عنوان یک واحد اقتصادی بود. در این شرایط، اجتماعی شدن دم افزون کار خانگی ممکن می‌شود، و "زن به جای یک بخش از کار مولده خود در خانه، به مشغله دیگری می‌پردازد." (۲) نان آوری بر زمینه به وجود آمدن کارگر مزدبگیر "به‌طور مضاعف آزاد" (۳)، به مبنای گذران زندگی زنان بدل می‌شود.

در جامعه سرمایه داری، تضادهای زندگی زن، مستقل از تعلق طبقاتی وی و نیز متاثر از آن، شدت می‌یابد. کارگر زن به دلیل نیاز به فروش نیروی کار خود مورد بهره‌کشی اقتصادی قرار می‌گیرد و درگیر ستیزهای طبقاتی می‌شود. فقش زن در چارچوب به ساختار خانواده بورژوایی به بخش بزرگی از زنان (خرده بورژوا فه‌یک زندگی مطمئن عطا می‌کند و نه یک هویت دارای محتوا. حق تحصیل و اشتغال به ضروریات زندگی همه زنان بدل می‌شود. تحت چنین شرایطی و بر بستر تضاد بین واقعیت و دعاوی ایدئولوژیک بورژوایی در مورد آزادی زنان، "مساله زن" حکم یک مساله مهم اجتماعی را می‌یابد. این "مساله"، به جنبش زنان ـ پرولتری و بورژوایی ـ شکل می‌دهد.

۲ ـ زنان، تحت نظام سرمایه‌دارانه ـ پدرسالارانه به شدت استثمار می‌شوند. اغلب از استثمار اقتصادی زنان به عنوان "بهره‌کشی دوگانه" نام می‌برند. این اصطلاح، اگر تعریف مفهوم بهره‌کشی در اقتصاد سیاسی مارکسیستی را مبنا بگذاریم، خطاانگیز است. سرمایه به دلیل شرایط معین، از استثمار نیروی کار زنان نه سود دوگانه، بلکه "فقط" سود بیشتر را طلب می‌کند. زنان "به عنوان کارگر و به عنوان "جنس" مورد استثمار دوگانه قرار نمی‌گیرند. "جنس زن" همانگونه استثمار می‌شود که رنجبر مزدبگیر مرد.

سرمایه مدام در تلاش برای کسب سود است و برای کسب سود بیشتر به هر تغییر تکنیکی دست می‌زند. یک تغییر معمول، ایجاد شکاف در صفوف رنجبران است. سرمایه‌داری بین دو جنس تفاوت قایل می‌شود. سرمایه با برقرار کردن تبعیض، با پرداخت مزد کمتر، با تقسیم بازار کار بر مبنای جنسیت (نامیدن مشاغلی به اسم مشاغل زنانه)، محدود کردن امکانات برای تخصص‌یابی و ارتقای شغلی، و تبدیل زنان زحمتکش به ذخیره دائمی بازار کار، از طریق بهره‌کشی از نیروی کار زن به سود بیشتر دست می‌یابد.

استثمار شدید زنان از این طریق کسب سود بیشتر، به دلیل حق‌کشی تاریخ در مورد زنان، برقراری تبعیض سیاسی و اجتماعی در حق آنها و این که سازمان‌های طبقه کارگر مفاهیم زنان کارگر را به حد کافی نمایندگی نمی‌کنند، میسر می‌شود.

اغلب به غلط به جای مفهوم "سود بیشتر" از عبارت "سود فوق‌العاده" استفاده می‌کنند. اقتصاد سیاسی مارکسیستی "سود فوق‌العاده" را آن سودی تعریف می‌کند که به طور موقت از میزان سود متوسط عایدی بیشتر است و بعد از مدت معینی به دلیل رقابت تعدیل می‌یابد. استثمار مشدد زنان اما یک پدیده موقتی نیست و خصیصه ثابت بهره‌کشی سرمایه‌دارانه است. در سرمایه‌داری، جسم زن نیز به خرید و فروش گذاشته می‌شود، یک شاخه کامل اقتصادی به این امر اختصاص دارد. این نیز یکی از اشکال سودبری سرمایه از قبل زنان است.

در جریان انکشاف سرمایه‌داری انحصاری دولتی تقسیم بازار کار بر مبنای جنسیت تثبیت شده در عین حال به نیروی کار زنان به عنوان یک نیروی کار متعطف فکریسته می‌شود. از جمله از این طریق نیز هست که بهره‌کشی از نیروی کار زنان شدت می‌گیرد.

بقیه در صفحه بعد

www.iran-archive.com

تزهایی در زمینه آزادی زنان

بقیه از صفحه قبل

همپای تشدید استثمار، تضاد بین خواسته‌های رشد یابنده زنان (مثلا به دلیل تخصص‌هایی که کسب کرده‌اند) و امکان تحقق آنها (مثلا به دلیل فداشتن شانس ارتقای شغلی و بیکاری) بالا می‌گیرد.

۳ ـ در سرمایه‌داری فعالیت شغلی گام اول برای استقلال اقتصادی و استقلال اقتصادی، اولین شرط آزادی است. امروزه تنها بخش کوچکی از زنان می‌توانند به استقلال اقتصادی دست یابند و اغلب به دلیل کمبود دستمزد، با بازار کار مبتنی بر جنسیت و اشتغال دوگانه (دست‌کم به دلیل بچه داری) به "مرخصت" مرد و یا حمایت دولتی، وابسته‌اند. فعالیت شغلی در عین حال به معنی مشارکت در فرایندهای اجتماعی و خروج از انزوای خانه‌نشینی و وابستگی به مرد است. فعالیت شغلی به زن امکان می‌دهد که شخصیت خود را ارتقا دهد. از این لحاظ اشتغال زن، علی‌رغم بهره‌کشی نابهنجار سرمایه‌دارانه ـ پدرسالارانه، تاریخا گامی است به پیش و یک زمینه عینی است برای پدیدار شدن چشم اندازهای رهایی.

۴ ـ بهره‌کشی از نیروی کار زن در خانه تاثیر متقابل تناقضاتی بر روی استثمار تشدید شونده زنان در بازار کار دارد. خانه‌داری در خدمت باز تولید جسمی و روانی نیروی کار (آینده) است. خانه‌داری کاری است به لحاظ اجتماعی لازم و مفید. اغلب زنان در شکلی خصوصی، در درون خانواده و بدون دریافت مزد، به کار در خانه می‌پردازند.

زن با محدود شدن به کار در خانه، وابستگی اقتصادی، اجتماعی و روانی‌اش به مرد تحکیم می‌شود و از فرایندهای اجتماعی به دور می‌افتد. خانه‌داری برای زنان زیان‌آور، به معنی یک رنج مداوم جسمی و روانی است. این گمان که گویا خانه‌داری وظیفه "طبیعی" زن است، باعث می‌شود فعالیت شغلی زن یک خدمت عارضی موقتی جلوه یابد و به پرداخت مزد کمتر به زنان یک مشروعیت ایدئولوژیک داده شود. دولت نیز در ترویج این گمان ذینفع است. خانه‌داری "زحمت دولت را کم می‌کند"، چرا که جایگزین خدمات اجتماعی دولتی (مثلا در زمینه پرورش کودک، پرستاری از بیماران و نگهداری از پیران) به‌صورت خصوصی و بدون دریافت دستمزد است. خانه‌داری زن در این مفهوم به نفع سرمایه، دولت و مردان و اسیر کردن خانه‌دار در قفسی خودساخته است.

۵ ـ در نهاد خانواده، کار باز تولیدگرانه زن به چشم نمی‌آید، بهره‌کشی نیروی کار زن به عنوان محبت و لطفی از سر وظیفه، جلوه داده می‌شود. کارکرد اصلی ازدواج بورژوایی تضمین مالکیت خصوصی است. ازدواج بورژوایی ماهیتا یک رابطه اقتصادی بین دو جنس است و تفاوت آن با فحشا در این است که زن "به عنوان یک کارگر مزدور، جسمش را برای مدت معینی به اجاره نمی‌دهد، بلکه آن را برای تمام عمر به بردگی می‌فروشد در روابط مبتنی بر مالکیت در خانواده بورژوایی، ریشه وابستگی زن، فزول شان آن تا حد وسیله تمتع جنسی و ایفای وظیفه دستگاه تولید مثل، ارث گذاری مشروع است.

به‌نظر انگلس در خانواده‌های کارگری، به دلیل این که کارگران فاقد مالکیت اند، بین دو جنس نمی‌تواند یک رابطه اقتصادی در مفهوم تملک وسایل تولید برقرار شود. او بر این اساس پیش‌بینی می‌کرد که در میان طبقه کارگر، مردسالاری زمینه وجودیش را از دست خواهد داد. (۵) اما این پیش‌بینی، کاملا خوش بینانه بوده است. عقوق هم خانواده به عنوان مکان اصلی باز تولید نیروی کار و به عنوان یک واحد اقتصادی و اجتماعی به موجودیت خود ادامه می‌دهد و این امر بر روی روابط دو جنس تاثیر می‌گذارد.

تقسیم کار در خانواده و در پیوند با آن وابستگی زن، به میزان زیادی از آهنگ گرایش به برابری بین دو جنس در میان طبقه کارگر، می‌کاهد. امروزه برای این که از رنج زن کاسته شود، برای این که تحرک زن فزونی یابد، و زن بتواند چارچوبه موجود تقسیم کار و تخصیص نقش مبتنی بر جنسیت را درهم بشکند، باید در امر خانه‌داری، بین دو جنس تقسیم کار تازه‌ای صورت گیرد. امکانات مثبتی که در این جهت وجود دارد و در این جهت پدید می‌آید، در تضاد با ساختار پدرسالارانه است که به لحاظ اجتماعی جلوی تحقق تقسیم کار در امر خانه‌داری را می‌گیرد. برای این که در خانواده تقسیم کار مبتنی بر جنسیت از میان برداشته شود، خانه‌داری باید اجتماعی شود. تنها از این طریق است که خانواده خصلت خود را به عنوان یک واحد اقتصادی، از دست می‌دهد.

۶ ـ ستم سرمایه‌دارانه ـ پدرسالارانه در سرمایه‌داری انحصاری دولتی در همه حوزه‌های اجتماعی برقرار است و اثر خود را به جا می‌نهد، در اقتصاد، در دولت، در حقوق، در ایدئولوژی، در فرهنگ، در روابط جنسی، در شیوه‌های رفتار...

در حالی که تحلیل مارکسیستی ستم بر زنان در زمینه زیربنای صورت‌بندی اجتماعی سرمایه‌داری، نسبتا تکامل یافته است، اما در زمینه مسائل روبنایی کارنا کرده بسیاری در پیش رو دارد. در زیر ما اندیشه‌هایی را مطرح می‌کنیم، که هم در چارچوب یک تئوری در دست تدوین مارکسیستی ـ لنینیستی آزادی زن و هم به لحاظ پیوند با عرصه‌های معینی از شناخت مدعی جامعیت آنها نیستیم و معتقدیم که عقوق باید برای دقت و تشخص یافتن، بر روی آنها کار شود.

دولت به عنوان یک "سرمایه‌دار جامع" و یک "پدر جامع" ایده‌آل (۶) به لحاظ نیازهای و به لحاظ ایدئولوژیک، تثبیت کننده ستم سرمایه‌دارانه ـ پدرسالارانه است. منفعت اصلی دولت در ستم بر زنان، باز تولید نیروی کار، همپیوند با استثمار نیروی کار زن در فرایند باز تولید، و در بهره‌گیری از وی به عنوان وسیله ارضای تمایل جنسی و تولید مثل است. از این روست که به لحاظ سیاست جمعیت‌شناسانه، ممنوعیت سقط جنین و مشروعیت تجاوزگری در چارچوبه زناشویی، موضوعیت و اهمیت می‌یابد. در تحلیل و سیاستگذاری، باید به نقش و اهمیت دولت در توجیه (ایدئولوژیک) ستم پدرسالارانه، توجهی به مراتب بیش از پیش داشت.

علی‌رغم اعلام قانونی برابری دو جنس، به لحاظ سیاسی در حق زنان تبعیض برقرار می‌شود. زنان، مستقل از تعلق طبقاتیشان در نهادهای سیاسی جامعه بورژوایی فاقد نماینده‌اند و یا حضور درجه دومی دارند. دست آنها از مواضع اصلی قدرت سیاسی کوتاه است. (در اینجا استثناءات، در نهایت قاعده را اثبات می‌کنند.)

علی‌رغم این که قانون اساسی کشورهای بورژوایی تبعیض بر مبنای جنسیت را ممنوع اعلام کرده است، در حقوق زناشویی و خانواده، استقلال در رابطه‌گیری جنسی به مرد واگذاشته شده و اختیار زن در دست مرد است. تنزل زن تا حد وسیله اطفای شهوت، صاحب اختیار بودن مرد در رفتار غرایز جنسی و تهدید دایمی زن به مورد تجاوز قرار گرفتن، محتوای اساسی فرهنگ زن‌ستیز است. اعمال حق تقدم برای مردان و تهیئه مادگی مردپسند، بر روی شیوه رفتار، ادراک و احساس دو جنس تاثیر می‌گذارد. در اندیشه بورژوایی، مرد معیار همه چیز است، "زن بودگی ارزشی است مورد تبعیض و زن در همه جا بیننده مرد است. (۱۷) "این وضعیت باب طبع مردان است، چرا که به‌نفع آنهاست و غرور خودخواهی و علایق آنها را ارضا می‌کند. مرد نقش سالار را ایفا می‌کند و همچون هر سالار دیکری، به سختی فرمان عقل را می‌پذیرد." (۸)

۷ ـ ستم بر زنان مشخصه ثابت همه جوامع مبتنی بر تخاصم طبقاتی است. "اعلام سلطه بی‌چون و چرای مردان بر جنس زن به عنوان یک قانون اساسی اجتماعی" به نفع طبقه استثمارگر است. (۹) بدین لحاظ به نظر می‌رسد که "ستم پدرسالارانه بر زنان، مستقل از جامعه سرمایه‌داری است. به نظر می‌رسد که گویا مطلق مرد بودن، منشاء این تبعیض است. بدون این که یک صورتبندی اجتماعی مردانه وجود داشته باشد، به نظر می‌رسد که در جامعه، وقتی از زاویه مناسبات دو جنس بدان نگریسته شود، مرد جنسیت حاکم است." (۱۰)

پیوند تناقضاتی بین ستم طبقاتی و ستم جنسی، در صورتبندی اجتماعی سرمایه‌داری، ساختارهای پدرسالارانه را در خدمت سرمایه می‌نهد. این ساختارها به نوبه خود به روی ستم و استثمار سرمایه‌دارانه تاثیر می‌گذارند. بدین لحاظ، ستم پدرسالارانه و ستم سرمایه‌دارانه در کنار هم برقرار نیستند، آنها درهم تنیده شده‌اند و یکدیگر را مشروط می‌کنند.

بر زمینه بهره‌کشی اقتصادی، کارکرد باز تولیدگرانه زن و وجود خانواده به عنوان یک واحد اقتصادی، از جمله در سرمایه‌داری انحصاری دولتی، مبنای مادی ستم بر زنان است. "در تحلیل نهایی" هر ستم مردسالارانه‌ای در پیوند تناقضاتی با ستمکاری سرمایه است. کوشش برای افشاء اشکال پوشیده ستم‌های سرمایه‌دارانه و مردسالارانه و برملاکردن جوهره مبتنی بر مالکیت آنها، یکی از وظایف مهمی است که تئوری مارکسیستی باید بدانها بیشتر بپردازد.

۸ ـ رهایی زن، تنها به دست خود زن میسر است. در تقابل علیه ستم سرمایه‌دارانه ـ پدرسالارانه" زنان تا همان حد می‌توانند انتظار یاری از مردان داشته باشند که کارگران از سرمایه‌داران" (۱۱) از ایفروست که زنان به خاطر پیشبرد جنبش زنان، شاگوبر از سازمانهایی مستقلند.

در جامعه بورژوایی زنان دارای تعلقات طبقاتی مختلف، به اشکال مختلفی تحت ستم قرار می‌گیرند. اما اعمال ستم بر تمامی زنان یک واقعیت است و از ایفروست که در جنبش زنان که هدف آن رفع تبعیض و ستم جنسی است، زنان پی‌جویند. این موضوع که تا چه حد جنبش "خواهران متخاصم" بورژوایی و پرولتری سده گذشته در جریان دگرگونی‌های عظیم در جامعه، جنبش‌های نوین عام گرفته دموکراتیک و اجتماعی، به جریان‌های مختلف و متنوعی در جنبش زنان شکل داده است.

از این نظر شمای ساده تقابل بینی بین دو جریان پرولتری و بورژوایی در جنبش رهایی زنان، نمی‌تواند واقعیت را به تمامی بازتاب دهد.

۹ ـ مشخصه اصلی جنبش مستقل زنان، شکل گرفتن آن مستقل از مردان، به لحاظ گروهبندی، سازمانیابی و برنامه‌ریزی است. از آنجایی که ستم بر زنان به نفع مردان است، (۱۲) زنان و مردان سختی پیش رو خواهند ◄

www.iran-archive.com

◄ منافع مختلفی دارند. "یک سوسیالیست گاه مفهوم استقلال زن را درک نمی‌کند، چرا که بایدپیرش این استقلال، من محبوبش زیر سوال قرار می‌گیرد." (۱۲)

شخصی کردن مسائل، بی‌اعتنایی به زنان و تابو جلوه دادن امور خصوصی، ریشه‌های اجتماعی خود کم‌بینی زنان است که دامنه گسترده‌ای دارد. برای از میان بردن این خودکم بینی، برای این که زنان غیروی (متحد) شان را بازشناسند و به خودآگاهی دست یابند، زنان باید بدون قایل شدن به حق تقدم برای مردان، به فعالیت مشترک روآورند.

تنها خود زنان می‌توانند اشکال مختلف ستمگری جنسی را چه در عرصه فرهنگی و چه در عرصه زندگی خصوصی، افشا کنند. بدین منظور آنها باید مستقل و متحد، به زبان خود موقعیت خود را بازشناسانده و شرح دهند. جنبش زنان، همانگونه که مستلزم عمل مستقل است، به تئوری پردازی مستقل نیز نیازمند است. زنان برای دست‌یابی به خودآگاهی تئوریک، باید به نقد موقعیت غالب مردان، در دانش‌پژوهی بورژوایی و حتی در دانش پژوهی مارکسیستی، بنشینند. مناقشه مختلف دوجنس، بی‌گمان در امر دانش‌پژوهی نیز بازتاب می‌یابد. این استدلال که چون قابلیت معرفتی مردان در جامعه مرد سالار تنگ‌نظرانه است و بنابراین باید به فکر یک دانش زنگرا (فمینیستی) بود، مورد پذیرش همه زنان نظریه‌پرداز مارکسیست نیست. بهر روآنچه که میتوان گفت این است که زنان برای بازشناسی موقعیت خود و تغییر آن، به تحقیقات مستقل، نظریه‌پردازی مستقل و عمل مستقل نیازمندند.

۱۰ ـ برای تکامل‌یابی تئوری و پراتیک سیاست زنان، استقلال (جنبش) زنان در قبال مردان، در قبال سازمان‌های تحت سلطه مردان و در قبال ساختارهای پدرسالار، اجتناب‌ناپذیر است. اما رهایی کامل زن تنها بر مبنای نفی استثمار انسان به توسط انسان میسر میشود. براندازی ستم طبقاتی، به عنوان شرط مقدم رهایی، تنها با جنبش کارگری و رزم مشترک زنان و مردان کارگر، امکان‌پذیر است. این رزم مشترک، برخلاف آنچه که اغلب پنداشته می‌شود و معمول می‌گردد و حتی امروزه نیز در احزاب کمونیست کم رواج ندارد، بدین معنی نیست که نبرد زنان در نبرد طبقاتی خلاصه می‌شود.

مساله زن به عنوان یک مساله اجتماعی، جزو مسائل ماهوی همه جوامع طبقاتی و از این رو موضوع ثابت مبارزات بین طبقات است. اگر طبقه کارگر، از جمله در میان صفوف خود، به مبارزه علیه ستم بر زنان برنخیزد، یک جنبه اساسی ازمبارزه طبقاتی را نادیده گرفته است. اگر طبقه کارگر به رزم رو نیاورد، مبارزه نه فقط یک پای نیروی خود را از دست میدهد، بلکه از طریق منفعل نگه داشتن زنان و یا حتی زن‌ستیزی، به استراتژی سرمایه برای ایجاد شکاف در اردوی رنجبران، نیرو می‌رساند.

سیاست زنان، در هماهنگی و مشارکت ضرور در سیاست عمومی و در عین حال داشتن هویت متمایز، تکامل یافته و جاری می‌شود. همپایی و تمایز، این بیان رابطه پویای جنبش کارگری و جنبش زنان است.

۱۱ ـ این رابطه تضادمند، در درون جنبش کمونیستی نیز تاثیر می‌گذارد. حزب طبقه کارگر بر درفش خود، شعار رهایی بشریت نگاشته است. اما به دلیل وجود عینی ساختارهای پدرسالار، که تاثیر گذاری آنها را در احزاب کمونیست نیز می‌توان پی‌گرفت، مبارزه دوجنس در درون این احزاب نیز بازتاب می‌یابد. در احزاب کمونیست نیز "دیدگاه‌های مردانه" (اصطلاح لنین) جاری می‌شود و باید که با مقاومت زنان دایره عمل آنها محدود گردد.

به این خاطر باید "به هر گونه سپردن خرده‌کاری، به زنان کمونیست، که مانعه کار آنها در میان توده‌های زن می‌شود، پایان داد. باید به زنان امکانات کافی تشکیلاتی، از تشکیل مجامع زنان گرفته تا تشکیل سازمان مستقل آنها داده شود تا آنان بتوانند مستقلانه کار در میان توده‌های زن را پیش برند." (۱۴) از همین‌روست که "گرایش کامل بقایای روابط کهنه، حقارت آمیز و قرون وسطایی در قبال زنان و نیز ردکم بها دادن به این جنبش ازسوی همه سازمان‌ها و اعضای حزب" امری مبرم است." (۱۵) تاکنون در جنبش کارگری، جنبش زنان را دست‌کم گرفته‌اند و آنرا مساله "تخصصی" زنان پنداشته‌اند. مناقشه زنان و کار سیاسی در میان زنان باید جایگاهی اساسی در استراتژی و سیاستگذاری بیابد. تنها وقتی که این شرط برآورده شد زنان، و مردان می‌توانند حقیقتا رزم مشترکی را پیش برند. رزم حقیقتا مشترک است که به مبارزه طبقاتی کارمایه کامل خود را می‌دهد. برای این که مبارزه سیاسی امر مشترکی باشد، برای این که هم در خدمت هدف‌های مشترک باشد و هم نیازهای جنبش و سیاست مستقل زنان را برآورده کند، تنها زنان نباید به پاخیزند. این وظیفه کل جنبش کارگری است. جنبش کارگری برای ایفای وظیفه رهایی‌بخش خود باید عمیقا به این نکته پی برد که "بدون استقلال و برابری اجتماعی دو جنس، رهایی بشریت امکان‌پذیر نیست." (۱۶)

ب ـ شرایط و چشم اندازهای رهایی در سوسیالیسم

۱ ـ با ازمیان رفتن مالکیت خصوصی بر وسایل تولید، شرایط عینی رهایی کامل و واقعی زن پدید می‌آید. "برابری واقعی زن و مرد ... تنها آن هنگام می‌تواند تحقق یابد ... که بهره‌کشی هر دو جنس از سوی سرمایه، پایان داده شود." بدین لحاظ براندازی قدرت سرمایه‌داری و روابط مبتنی بر مالکیت، و تشکیل جامعه سوسیالیستی گام تعیین‌کننده‌ای در راه رهایی اجتماعی زنان است. عینیت سوسیالیسم اجازه نمی‌دهد که حافظ نابرابری اجتماعی زن و مرد باشد. این بدین معنی نیست که در مراحل مختلف تکامل نظام اجتماعی سوسیالیستی برخی منفعت‌جویی‌ها در مقابل فرایند رهایی قرار نمی‌گیرند. ریشه این تقابل جویی در پایه مادی به حد کافی رشد نیافته سوسیالیسم و ساختار کاری متناسب با آن، و نیز موانع ذهنی در تکامل آگاهی اجتماعی است.

حل نهایی مساله زن در صورتی میسر است که نه فقط حقوق و وظایف اجتماعی زنان با مردان یکسان باشد، بلکه زن ازامکان تحقق کامل آنها برخوردار شود. وقتی که زن استقلال کامل اقتصادی و اجتماعی بیابد، دیگر سلطه جویی بروی و بهره‌کشی ازوی رخت بر می‌بندد و زن به عنوان موجودی برابر که حاکم بر سرنوشت خویش است، با مرد برابری می‌کند.

۲ ـ اولین وظیفه جامعه سوسیالیستی، برقراری برابر حقوقی بین زن و مرد است. "برابری در برابر قانون هنوز به معنی برابری در زندگی نیست." (۱۸) بدین لحاظ تحقق امر برابر حقوقی هر چند هم کامل باشد، تنها نقطه آغاز فرایند برابری است. انگلس در این زمینه پیش‌بینی کرده است، "پس از این که زن و مرد به لحاظ حقوقی برابر شدند، تازه آشکاه خصیصه ویژه سلطه مردان بر زنان در خانواده جدید، به تمامی افشا می‌شود." (۱۹)

۳ ـ شرط برابر حقوقی در همه عرصه‌های زندگی جامعه، شرکت زنان در تولید اجتماعی است. تا زمانی‌که زنان نتوانند در عرصه‌های اساسی زندگی و در فرایند کار، جایگاهی برابر با مردان داشته باشند، برابری سیاسی و اجتماعی، تحقق پذیر نیست. "انسان‌ها با تولید، به شکل غیر مستقیم هستی مادی خود را تولید می‌کنند ... افراد آن گونه‌اند، که به هستی خود تجسم می‌بخشند ... از این‌رو این که چه هستند، به تولیدشان برمی‌گردد، هم بدان برمی‌گردد که چه تولید می‌کنند وهم این‌که چگونه." (۲۰) از این روست که زن بدون فعالیت شغلی نمی‌تواند به آزادی دست یابد.

۴ ـ برای رهایی زن، رهایی حقوقی و اقتصادی کفایت نمی‌کند. زن ضرورتا باید در رهبری دولت و جامعه سوسیالیستی، در شکل دادن به مناسبات اجتماعی آن شرکت جوید و از این طریق و فیاوهای خود را پی گیرد.

زن برای این که ازحقوق خود بهره گیرد و آنها را تحقق بخشد، برای این که آگاهانه به زندگی خود شکل دهد و برای این که به شوبه خود در رفع تضادهای جامعه سوسیالیستی بکوشد، باید در امر متحول ساختن شرایط عینی و ذهنی جامعه، فعالانه شرکت داشته باشد دستیابی به برابری سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زن "یک مبارزه طولانی است که مستلزم هم تحول پراتیک اجتماعی است و هم تحول در دیدگاه‌ها." (۲۱) باید توجه داشت که شیوه زندگی انسان‌ها، برخلاف فرایند کار اجتماعی، از پویش به مراتب کمتری برخوردار است.

۵ ـ تحقق برابر حقوقی زنان دگرگونی عمیق در ادراکات، پنداشت‌ها و شیوه‌های تفکر و رفتار را ایجاب می‌کند. سنن و عادات کهنه جان سختند. مبارزه علیه ساختارهای پدرسالارانه، پیش داوری‌ها و آداب و رسوم کهنه، درکنار تشکیل سازمان‌های ویژه زنان، هم مستلزم نهادهای نمایندگی مناقشه زنان و هم مستلزم کار تربیتی و آموزشی در میان زنان و مردان است که به تدریج وگام به گام ثمر می‌دهد. لازم است که کار سیاسی ـ ایدئولوژیک هدفمند، با برنامه و مداوم در میان زنان و مردان، آن دیدگاه‌هایی رواج یابد که مبنای آنها اصل انسانی برابری دو جنس است. روابط تولیدی متحول‌شده، به‌طور خودانگیخته به این دیدگاه‌ها میدان خواهد داد، چرا که درجه رشد تقسیم کار اجتماعی، به عنوان تقسیم کار بین گروه‌های اجتماعی و وظایف کاری بین زنان و مردان، خود را در اشکال روزمره همزیستی زنان و مردان بازتولید می‌کند.

۶ ـ برای این که مشارکت زنان درفرایند کار اجتماعی و نیز در زندگی اجتماعی، در مجموع خود تضمین شود، باید یک برنامه جامع سیاسی ـ اجتماعی در دست باشد که در درجه نخست بتواند همخوانی وظیفه مادری و وظیفه شغلی را تضمین کند. در این برنامه تدارک، پرورش و آموزش کودکان به کمک نهادهای اجتماعی و برداشتن وظیفه خانه‌داری ازدوش زنان قرار می‌گیرد.

هر تقسیم کار اجتماعی، مبتنی بر وضعیت اعضای خانواده است و بر این اساس است که اختیارات و امکانات تقسیم می‌شود. زن به دلیل ایفای وظیفه مادری، ناگزیر است به مراتب بیش از مرد، در فعالیت شغلی خود وقفه ایجاد کند. نتیجه این می‌شود که مرد کیفیت کاری بالاتری پیدا می‌کند، حقوق بیشتری می‌گیرد و احترام اجتماعی بیشتری

بقیه در صفحه بعد

www.iran-archive.com

آخرین خبرها پیرامون...

بقیه از صفحه آخر

رفته اند. آنها که ناگزیر به ماندن هستند و وسیله نقلیه در اختیار دارند شبها را در شهرهای نزدیک یا بیابان ها و جاده‌های اطراف بسر می‌برند. ازدحام شبانه مردم در جاده‌ها به گونه‌ای است که در برخی موارد تردد را ناممکن کرده است. در یکی از شب ها جاده هر از یک طرفه شده بود. زیرا قسمی ازجاده توسط اتومبیل‌های پارک شده اشغال شده بود.

تا روز پنجشنبه آموزش و پرورش از تعطیل این مدارس خودداری می‌کرد اما از آنجا که مردم او فرستادن فرزندانشان به مدرسه خودداری می‌نمودند، همه مدارس به‌صورت نیمه تعطیل درآمده بود. به‌دنبال آن آموزش و پرورش مجبور شد اعلام نماید مدارس تعطیل است و امتحانات شانزدهم معلق می‌ماند.

علاوه بر تهران بسیاری از شهرهای دیگر نیز بمباران و یا مورد حملات موشکی واقع شدند در شیراز محله صادقیه توسط بمب افکن‌های عراقی بمباران شد علاوه بر این محله صنایع الکتریک هم مورد حمله بمب افکن‌ها واقع شد.

آغاز مذاکرات ژنو

در روز چهارشنبه هفته گذشته (۲ مارس) دور جدید مذاکرات غیر مستقیم افغانستان و پاکستان در ژنو آغاز شد. ریاست هیات افغانی با عبدالوکیل وزیر خارجه افغانستان است. وکیل در روز دوشنبه هفته گذشته در مسکو با شواردنادزه وزیر خارجه اتحاد شوروی دیدار کرد. در پایان دیدار اعلام شد که هر دو دولت می‌کوشند هر چه سریعتر مساله افغانستان را حل کنند. شواردنادزه گفت اتحاد شوروی حاضر است با آمریکا تضمین کننده حل سیاسی مساله باشد. اما آمریکا علی‌رغم موضع گیری‌های صریح دو دولت اتحاد شوروی و افغانستان برای حل مسالمت آمیز مساله، همچنان می‌کوشد در این راستا اختلال ایجاد کند. در حالتی که اتحاد شوروی زمانبندی مشخصی را برای خروج نیروهای خود از افغانستان اعلام کرده است، آمریکا هنوز به‌ضد انقلابیون کمک می‌رساند.

در هفته گذشته ربانی یکی از رهبران ۷ باند موتلف شده در پاکستان، به ایران سفر کرد. او درقم به دیدار مغتظری رفت. ولیعهد خمینی در گفتگو با او از رهبران باندهای ضد انقلابی خواست وحدتشان را حفظ کنند.

سفر ربانی به ایران پر معنی بود. هم ربانی از دیدار با مقامات جمهوری اسلامی مضقت‌های معینی را دنبال می‌کند و هم جمهوری اسلامی از مذاکره با وی. تهران یک راس مثلث واشینگتن - اسلام آباد - تهران را تشکیل می‌دهد مبغای ائتلاف شوم ضد افغانی است.

تزهایی در زمینه آزادی زنان

بقیه از صفحه قبل

می‌یابد. این امر به نوبه خود باعث می‌شود فاصله دوجنس پر نشود. به این دلیل لازم است که به لحاظ سیاسی و اجتماعی تمهیداتی در زمینه نگهداری و تربیت کودک اتخاذ شود که بتواند هم ناظر بر مردان باشد و هم زنان. در غیر این صورت همواره زن در معرض این خطر است که از کارآیی شغلی اش کاسته شود و مورد تبعیض قرار گیرد. البته نباید گمان داشت که این مساله پیچیده سرعت قابل حل است. "این کار، است که به سرعت ثمر نمی‌دهد و نمی‌توان در مورد آن قول‌های شعف بر انگیز داد." (۲۲)

۷ـ سوسیالیسم این چشم انداز را در برابر خود می‌نهد که پیوند بلاواسطه بین مادری اجتماعی و مادری بیولوژیک را بگسلد.

زنان و مردان باید به طور یکسان و با کمک مجموعه کاملی از نهادهای اجتماعی عهده‌دار و کیفه پرورش و آموزش کودک شوند. تنها در این صورت است که زنان و مردان امکانات یکسانی برای ارتقاء شخصیت خود خواهند داشت.

۸ـ تحقق این هدف بسیار پیچیده است چرا که مستقیما به شخصی‌ترین و خصوصی‌ترین وجوه زندگی زنان و مردان، رابطه بلاواسطه آنها با یکدیگر و مناسبات زناشویی و خانوادگی پیوند می‌خورد. جامعه سوسیالیستی "از درون جامعه سرمایه‌داری سر بر می‌آورد، و از این رو در هر رابطه‌ای، چه اقتصادی، چه اخلاقی و چه فرهنگی، به مادر جامعه کهنه، که از آغوش آن بیرون آمده، مرتبط است." (۲۳) تحقق هدف بالا نیز جدا از این خصوصیت نیست.

اما آنچه که قرن‌ها متمادی بر روی خصایل روابط بین زنان و مردان تاثیر گذاشته، همانا تنها در جریان یک روند عمیق انقلابی، قابل تغییر است. سطح زندگی مادی، و معنوی یک جامعه به لحاظ تاریخی مشخص، یعنی سوسیالیسم، مبنای عینی این تحول است. بر مبنای تحولات اجتماعی هم به تدریج و هم با پیچش‌های تند و به گونه‌ای تضادمند، مناسبات بین دو جنس (که صرفا مناسبات بین عشاق نیست) تحول می‌پذیرد. در جریان این تحول، کیفیت تاریخی عشق نیز تغییر می‌کند.

۹ـ شعار ما این است، "ماخواهان همه چیزیم و این البته چیز زیادی نیست!" در سوسیالیسم "ماخواهان همه چیزیم"، به معنی این خواسته‌هاست،

* یک فعالیت شغلی، که خلاق، استعدادپرانگیز، جمعی، دمکراتیک، مبتکرانه و در یک کلام پرورش دهنده شخصیت باشد و برای پرداختن به دیگر امور زندگی، وقت کافی به جا بگذارد،

* فعالیت و مسئولیت سیاسی و اجتماعی و البته به طور برابر در سطوح رهبری، بدون این که مدام به آرمان "به هرکس به اندازه نیازش و از هرکس به اندازه توانائیش" نزدیکتر شویم،

* زندگی با فرزندان، بدون این که برنامه داری وقت و توانمان را بگیرد و با احساس تقصیر و یا شادی یک جانبه همراه باشد،

* یک شرایط اجتماعی، که در آن عشق زندگی برانگیز باشد، هر دو شخصیت دخیل در رابطه عاطفی در تمامیت خود مطرح باشند و عشق بری از اجبار، بری از حس تملک و بری از قید و بند باشد. ما عشقی را می‌خواهیم که بر آن احساس مسئولیت، خودآگاهی و تعالی، نور افشان باشد.

این خواسته‌ها، چیز زیادی نیستند!

زیرنویس‌ها

(۱) انگلس، منشا خانواده، مالکیت خصوصی و دولت ـ مجموعه آثار مارکس و انگلس، ج ۲۱، ص ۶۱

(۲) کلارا زتکین، مساله زنان و کارگران زن در امروز، برلین، ۱۸۹۴. به نقل از کلارا زتکین، در باره مساله زن، منتشره از سوی حزب سوسیالیست متحده برلین غربی، ۱۹۸۷، ص ۱۰.

(۳) این که "آزادی مضاعف" کارگر زن به دلیل کارکرد باز تولیدگر انه وی، در خانواده، تا چه حد محدود می‌شود و این امر تا چه میزان بر روی شرایط فعالیت شغلی زن تاثیر می‌نهد، مساله‌ای است که باید دقیقتر مورد بررسی قرار گیرد.

(معنای "آزادی مضاعف"، در دوره انباشت اولیه سرمایه، دهقان از قید وابستگی به زمین "رهایی" یافت و به موجود "آزاده"ای تبدیل شد که آزاد بود یا از گرسنگی بمیرد و یا نیروی کارش را در اختیار سرمایه‌داران بگذارد. به وجود آمدن خیل این "آزادگان" مبنایی ضروری برای تکوین و استقرار صورتبندی سرمایه‌داری بود. در جریان این فرایند، زن "به طور مضاعف آزاد شد"، "آزاد" شد، همانگونه که پدر و عمسر و برادرش "آزاد" شدند و در عین حال به ناگزیر و تا حدی از قید کارخانه "رهایی" یافت تا به کار در کارخانه بپردازد. سرمایه‌داری، زن را "به طور مضاعف"، آزاد کرد ـ توضیح مترجم)

(۴) انگلس، منبع پیشین، ص ۷۲

(۵) ر. ک. منبع پیشین، ص ۷۴.

(۶) "جامعه" بدین معنا، دولت، یک سرمایه‌دار و یک پدر حقوقی است که کلیت منافع مجموعه سرمایه‌داران حقیقی و پدران حقیقی (به عنوان جنسیت سالار) را نمایندگی می‌کند. دولت هم ابزار سلطه طبقاتی سرمایه‌داران است و هم سلطه اجتماعی مردان. (توضیح مترجم)

(۷) آگوست ببل، زن و سوسیالیسم، آلمان دمکراتیک، ۱۹۷۹، ص ۷۹.

(۸) همانجا، ص ۱۲۱.

(۱۲) این مضاف، از زاویه نفی استثمار و رهایی بشریت، کوتاه مدتند و نه بخش بزرگی از مردان، در رفتار کنفکرتشان، خدمت نمی‌کنند. این مضاف، بر مبنای ساختارهای عینی اجتماعی اثرگذاری دارند و عملکرد آنها، در روابط موجود، از مسئولیت فردی و این که هر کس خود باید رفتارش را تعیین کند، نمی‌کاهد.

(۱۳) آگوست ببل به نقل از، مقاله پیش گفته به قلم فرانتسیکا اشتورم، ص ۶۵.

(۱۴) هیات رئیسه کمیته اجرایی انترناسیونال کمونیستی، قطعنامه مورخ ۱۹۲۷/۷/۳ در مورد جنبش بین المللی زنان. به نقل از کتاب "جنبش زنان و جنبش انقلابی طبقه کارگر" تالیف فلورانس هروه، فرانکفورت، ۱۹۸۱، ص ۱۴۴.

(۱۵) همانجا.

(۱۶) آگوست ببل، زن و سوسیالیسم، ص ۵.

(۱۷) انگلس، نامه به کگ. کیلاومه شاک، ۵ ژوئیه ۱۸۸۵، مجموعه آثار مارکس و انگلس، ج ۳۶، ص ۳۴۱.

(۱۸) لنین، به زنان کارگر.

(۱۹) انگلس، مجموعه آثار، ج ۲۱، ص ۷۶.

(۲۰) مارکس و انگلس، ایدئولوژی آلمانی، مجموعه آثار، ج ۳، ص ۲۱.

(۲۱) لنین، در باره روز بین المللی زن، مجموعه آثار، ج ۳۰، ص ۴۰۱.

(۲۲) لنین، درباره وظایف جنبش پرولتری زنان در جمهوری شوروی، مجموعه آثار، ج ۳۰، ص ۲۷.

(۲۳) مارکس، نقد برنامه گوتا، مجموعه آثار مارکس و انگلس، ج ۱۹، ص ۲۰.

www.iran-archive.com

مخالفت سران ناتو با روند خلع سلاح اتمی

در هفته گذشته کنفرانس دوره‌ای سران ۱۶ کشور عضو ناتو در بروکسل پایتخت بلژیک به کار خود پایان داد. کنفرانس در پایان کار خود بیانیه‌ای را انتشار داد که در آن گفته شده است هنوز در برابر استراتژی تسلیح اتمی آلترناتیوی وجود ندارد.

در کنفرانس ناتو حول "نوسازی سلاح‌های اتمی مستقر در اروپای غربی بحث و گفتگو شد. مساله بر سر زمان آغاز نوسازی بود. در این کنفرانس هلموت کول صدر اعظم آلمان فدرال با "راه حل سوم صفر" که به معنی برچیدن موشکهای اتمی برد کوتاه است و نیز اعلام مناطق عاری از سلاح‌های هسته‌ای اعلام مخالفت کرد.

توطئه چینی‌های آمریکا در پاناما

در روز جمعه ۲۶ فوریه پارلمان پاناما تحت ریاست فرمانده نیروهای مسلح ژنرال مانوئل آنتونیو نوریگا، اریک آرتورودلواله رئیس جمهور این کشور را از کار برکنار کرد.

دلواله پیش از برکناری فرمان به عزل ژنرال نوریگا داده بود. دلواله پس از برکناری مورد حمایت آمریکا قرار گرفت و واشنگتن عزل وی را تائید نکرد. موجی از ناآرامی در پاناما به راه افتاد که آمریکا و عواملش در ایجاد آن نقش اصلی را داشتند. ژنرال نوریگا، که مهتکر عزل دلواله بود، خود یک گانگستر است که واشنگتن وی را مهره مناسبی برای دفاع از منافع آمریکا نمی‌داند. آمریکا اکنون به دفاع از مهره قدیمی خود دلواله برخاسته و به اهرم فشار مالی بر روی اقتصاد پاناما رو آورده است. فشار اقتصادی، چنان تاثیر گذاشت که هفته گذشته بانکهای پاناما بسته شدند. احتمال می‌رود که آمریکا به دخالت مستقیم نظامی نیز روآورد. آمریکا در پاناما.....! سرباز دارد.

هدف اصلی آمریکا از اغتشاش اوضاع در پاناما، تثبیت حضور نظامی خود در پاناما و تداوم چنگ اندازی بر روی کانال پاناما است که آمریکا خود پذیرفته است که آن را به پاناما باز پس دهد.

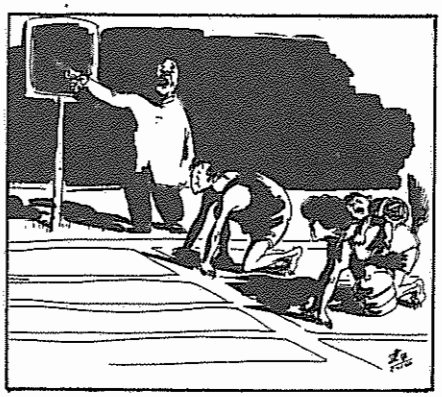

مساله آغاز می‌شود. آیا شرایطشان یکسان است؟
(کاریکاتور از روزنامه "چین تو")

کره جنوبی، زندانیان سیاسی را آزاد کنید!

کره جنوبی درچند هفته اخیر شاهد موجی از تظاهرات توده‌ای برای آزادی زندانیان سیاسی است. پلیس همانگونه که درعکس مقابل می‌بینید به حالت آماده‌باش در آمده است و آماده سرکوبگری‌های بیشتر است.

در روز جمعه ۱۹ فوریه، روتا ووو، رئیس جمهور تازه کره جنوبی کابینه خود را معرفی کرد. در کابینه تازه دو وزیر داخله و خارجه چون دوهوان، رئیس جمهور پیشین، در پست خود ابقا شده‌اند.

رودررو، سرکوبگران، زندانی سیاسی، آزاد باید گردد!

در تلاش برای حل مساله قره‌باغ

در روز سه‌شنبه هفته گذشته (اول مارس)، گراسیموف سخنگوی وزارت خارجه اتحاد شوروی به پرسش خبرنگاران در مورد ناآرامی‌های پدید آمده حول مساله قره‌باغ پاسخ داد. وی اوضاع در این منطقه خودمختار را "نگران کننده" توصیف کرد. وی گفت "در زندگی ما مسائل حل نشده‌ای باقی مانده است که یکی از آنها روابط بین ملیت‌هاست. عدم اعتماد و بدگمانی به یکدیگر، حلول این مساله را می‌گیرد."

وی ریشه ناآرامی‌های قره‌باغ را شایعات و کمبودها دانست. گراسیموف در زمینه مهمترین خطا به این نکته اشاره کرد که در قره‌باغ ۴۹ ملیت زندگی می‌کنند و اکثریت جمعیت را ارامنه تشکیل می‌دهند. مسئولین به مناسبات بین ملیت‌ها کم توجهی کرده‌اند. کمبودها بر ابعاد خطاها افزوده‌اند و در ادامه خود اوضاع اخیر را پدید آورده‌اند.

گراسیموف به تظاهرات ۲۵ و ۲۶ فوریه در ایروان نیز اشاره کرد و گفت این خود نشان دهنده دموکراسی سوسیالیستی است، هر چند که مساله با این شیوه‌ها قابل حل نیست. گراسیموف همچنین تلاش‌هایی را که برای حل مساله قره‌باغ صورت می‌گیرد، تشریح کرد.

جنایت کاری‌های نژادپرستان

ـ مقاومت مردم آفریقای جنوبی علیه اعلام ممنوعیت ۱۸ سازمان قانونی ضد نژادپرستی و ممنوعیت فعالیت سیاسی صدها کارگر در این کشور ادامه دارد. در سرتاسر جهان موجی از همبستگی با این مقاومت به پا خاسته است.

در هفته گذشته دستگیری اسقف توتو، یک کشیش اصلاح طلب برنده جایزه صلح و اسقف اعظم شهر کیپ تاون، انعکاس وسیعی در رسانه‌های خبری پیدا کرد. اسقف توتو در یک تظاهرات علیه اعلام ممنوعیت سازمان‌های ضد آپارتاید، شرکت جسته بود.

ـ آفریقای جنوبی، همپای سرکوب سیاهپوستان کشور به تجاوزگری خود علیه موزامبیک، آنگولا و زیمبابوه ادامه می‌دهد. در هفته گذشته اولیور تامبو، رهبر کنگره ملی آفریقا (آ. ان. سی) در حواره پایتخت زیمبابوه اعلام کرد که بر اثر تهاوزگری‌های رژیم پرتوریا و باندهای دست نشانده وی هر چهار دقیقه یک کودک در آنگولا و موزامبیک به قتل می‌رسد. این رقم فاجعه‌بار، بازتاب دهنده گوشه‌ای از جنایتکاری‌های نژادپرستان است.

صهیونیست‌ها می‌خواستند ۱۴ جوان را زنده زنده بسوزانند

در روز یکشنبه ۲۸ مارس مزدوران صهیونیست می‌خواستند ۱۴ جوان فلسطینی را در دهکده‌ای در نزدیکی شهر نابلوس، زنده زنده بسوزانند. تا هفته گذشته آمار جنایتکاری‌های صهیونیست‌ها سر به ۱۲۱ کشته زد. ۲۶ نفر از کشته شدگان سنشان کمتر از ۱۵ سال است.

پیشنهاد مذاکره مستقیم با نیروهای کنترا

پرزیدنت دانیل اورتگا، رئیس جمهور نیکاراگوئه هفته گذشته به نیروهای کنترا (ضد انقلابیون) پیشنهاد مذاکره مستقیم در خاک نیکاراگوئه را داد. وی زمان انجام مذاکرات را از ۹ تا ۱۱ مارس و مکان آن را شهر کوچک ژاپاتو در نزدیکی مرز کوستاریکا پیشنهاد کرد. دولت نیکاراگوئه در هفته‌های اخیر دوبار با نیروهای کنترا پای میز مذاکره نشسته است.

اورتگا پیشنهاد مذاکره را برای پایان دادن به خونریزی در نیکاراگوئه و تحقق قرارداد صلح آمریکای مرکزی، حائز اهمیت دانست.

www.iran-archive.com

جنایات نوبتی
کارنامه سیاه جنگ شهرها

* در روز ۱۵ خرداد ۱۳۶۳، بدنبال تجمع نیروهای جمهوری اسلامی در شرق بصره و تهدید آشکار حمله به عراق بافه را بمباران کرد. در این حمله ۶۰۰ تن کشته و زخمی شدند. دور نخست جنگ شهرها آغاز شد. پس از مرگ صدها تن و ویرانی‌های بسیار، به دعوت خاویر پرز دوکوئیار از روز ۲۲ خرداد ۱۳۶۳ حمله به مناطق مسکونی متوقف شد. مردم شهرهای بمباران شده با برپا کردن تظاهراتی علیه جنگ، فریاد "مرگ بر خمینی" سر دادند. تهران، خرم آباد، کوهدشت، پل دختر و بسیاری از شهرهای دیگر، قربانی این دور از جنگ شهرها شدند.

* دور دوم جنگ شهرها همزمان با تدارک حملات گسترده جمهوری اسلامی به جنوب عراق در ۱۲ اسفند ۱۳۶۳ با حمله عراق به نیروگاه اتمی بوشهر و کارخانه لوله‌سازی اهواز آغاز شد. سپس بصره هدف خمپاره‌های سنگین قرار گرفت. آبادان، خرمشهر، دزفول، مسجد سلیمان، سرپل ذهاب، خرم آباد در ایران و بصره، خانقین، علی‌غربی، علی‌شرقی، مرکه‌سور و میدان در عراق، اندیمشک، رامهرمز، مریوان، بانه، صالح آباد، قهاوند و اصفهان در ایران، کرکوک و مندلی در عراق، تهران، تبریز، کرمانشاه، بروجرد، قزوین، سنندج، بوشهر، قم، اراک، ایلام، رشت، اصفهان، ارومیه، پیرانشهر و زنجان در ایران آماج حملات قرار گرفتند. کشتار در شهرها با کشتار وسیع در عملیات بدر توام شد. در روز ۲۱ فروردین، در محله ۱۲ آبان تهران، زحمتکشان تظاهرات باشکوهی علیه جنگ و رژیم برپا کردند. همدان، اراک، بروجرد، سونخکرد و خرم آباد نیز صحنه تظاهرات مردمی ضد جنگ شد. سفر خاویر پرز دوکوئیار به تهران و بغداد، به جنگ شهرها پایان داد.

* از پایان دور دوم جنگ شهرها هنوز دو ماه نگذشته بود که دور سوم در روز اول خرداد ۶۴ اهواز، دزفول و خرم آباد مورد حمله هواپیماهای عراقی قرار گرفتند. این حمله بدنبال رد پیشنهاد آتش‌بس صدام حسین برای ماه رمضان از سوی جمهوری اسلامی صورت گرفت. دور سوم جنگ شهرها که طی آن برای نخستین بار بغداد مورد حمله موشکی جمهوری اسلامی قرار گرفت، سه هفته به طول انجامید و صدها کشته و هزاران مجروح به همراه داشت.

* اراک در روز ۵ مرداد ۱۳۶۵، بمباران شد. در دور چهارم جنگ شهرها، اصفهان، بانه، پاوه و سنندج در ایران و کرکوک و بصره در عراق مورد حمله قرار گرفتند. در روز ۲۴ شهریور، بغداد بار دیگر آماج حمله موشکی سپاه پاسداران شد. در این حمله طبق آمار رسمی عراق ۲۴ غیرنظامی کشته و تعداد بسیاری از مردم مجروح شدند.

* در دور پنجم جنگ شهرها در آذرماه ۶۵، اندیمشک، دزفول، باختران (کرمانشاه)، سربندر، سقز، خرمشهر، مریوان، اسلام آباد غرب، ماهشهر، بندر خمینی، هفت تپه تهران بمباران شدند.

* سلسله عملیات "کربلا" در اواخر دیماه ۶۵ دور ششم جنگ شهرها را آغاز کرد. بدنبال شلیک چندین موشک به بغداد، محله ولنجک در شمیران توسط بمب افکن‌های عراقی بمباران شد. همچنین قم، اصفهان، کوهدشت، ایلام، دزفول همدان خرم آباد و باختران بمباران شدند. تنها در خرم آباد و باختران به ترتیب ۹۰ نفر و ۸۰ تن کشته شدند. بصره و خانقین به موشک بسته شدند. در بروجرد ۷۰ کودک دبستانی در آتش سوختند و در فیر آوار مدرسه جان باختند. این دور از جنگ ۶ هفته به طول انجامید. خامنه‌ای گفت در این مدت ۶۵ شهر جمعا ۲۲۶ بار بمباران شده و ۲۸ بار مورد حمله موشکی قرار گرفتند. وی تعداد کشته‌شدگان این دور جنگ شهرها را ۳۰۲۵ نفر و تعداد مجروحین را ۱۱۱۵۰ تن ذکر کرد.

* دور هفتم جنگ شهرها، در روز ۸ شهریور ۱۳۶۶ با حمله عراق به شماری از تاسیسات صنعتی در استانهای آذربایجان شرقی و همدان آغاز شد و سپس گلوله‌باران بصره و شلیک گلوله‌های توپ به سوی نوبندگان، العماره، قلعه‌بیگی، شعیبیه و ام القصر عراق اوج گرفت. سپس شهرهای استانهای مرکزی، اصفهان، همدان، آذربایجان شرقی و خوزستان نیز بمباران شدند. سفر پرز دوکوئیار به تهران و بغداد بار دیگر موقتا جنگ شهرها را متوقف کرد.

* هشتمین دور جنایات نوبتی خمینی و صدام حسین در اسفندماه ۱۳۶۶ آغاز شد. در این دور، برای نخستین بار تهران و قم هدف حملات موشکهای میان برد قرار گرفتند.

آخرین خبرها پیرامون حملات موشکی به تهران
برگرفته از یک گزارش مستقل

تا امروز (روز شنبه ـ اسفند) ۲۸ راکت در تهران منفجر گردید. هر یک از راکت‌ها منطقه‌ای را در تهران گرد آسیب کرده است. تاکنون این مناطق مورد حملات موشکی واقع شدند، میدان ۲۵ شهریور ـ خیابان سلسبیل ـ خیابان شیخ هادی (بیمارستان عبوض‌زاده) ـ قیطریه ـ پل رومی ـ تله کابین توچال (ایستگاه سوم) ـ خیابان سهلان ـ دروازه شمیران ـ سپیدخندان ـ خیابان امیرآشهر (یک پادگان نظامی) ـ بیمارستان تهران کلینیک ـ خیابان امیرآباد (حوالی کوی دانشگاه) ـ خیابان امیرآباد (جنب بیمارستان شریعتی) ـ نیروی هوایی (خیابان پیروزی) ـ بیمارستان سعادت آباد ـ ...

در خیابان سلسبیل تهران دو موشک فرود آمد که یکی عمل فکرد در نتیجه اصابت موشک در یک پادگان در خیابان امیرآشهر عده‌ای سرباز به قتل رسیدند. موشکی که در خیابان سهلان فرود آمد تلفات سنگینی به بار آورد. در همین محل مادری، که فرزندش کشته شده بود، درحالی که دستان آغشته به خون فرزندش را مشت کرده بود، با فریاد خمینی خون آشام را به باد دشنام گرفت. همه تلاش‌های اوباش حزب الله برای خاموش ساختن او بی‌فایده بود حرکت دلیرانه این مادر داغدیده در تهران درمیان مردم دهن به دهن می‌گردد. در محلات ویران شده بلافاصله پس از انفجار موشک، اوباش حزب الله و اکیپ‌های ویژه پاسداران سرمی‌رسند و مردمی را که گردمی‌آیند و از جنگ و رژیم جنگ افروز امیراز نفرت می‌کنند، پراکنده می‌سازند. موشکی که در کنار بیمارستان تهران کلینیک فرود آمد در بیمارستان تلفاتی به‌بار نیاورد آن عده از اهالی تهران که امکان داشتند شهر را تخلیه کرده و به شهرستان‌ها

بقیه در صفحه ۱۴

دوازدهمین کنگره
حزب کمونیست اسپانیا برگزار شد

دوازدهمین کنگره حزب کمونیست اسپانیا در روز ۱۹ فوریه (۳۰ بهمن) با پیام دلورس ایباروری ـ پاسیوفاریا ـ صدر حزب کمونیست اسپانیا و با حضور ۱۰۰۰ نماینده و ۷۶ هیات نمایندگی از جانب احزاب کمونیست، کارگری و نیروهای دمکراتیک سراسر جهان در مادرید پایتخت اسپانیا کار خود را آغاز کرد.

حزب کمونیست اسپانیا در شرایطی دوازدهمین کنگره خود را برگزار کرد که بحران در ارکان‌های رهبری حزب با استعفای "آنریله کوریل" عضو کمیته اجرایی و معاون دبیر کل تشدید گردید. استعفای وی بخاطر اختلاف نظر در رابطه با ترکیب جبهه چپ و اشکال همکاری با حزب سوسیالیست اسپانیا در ماه گذشته صورت گرفت.

"خروالد وایکلسیاس" دبیرکل پیشین حزب از چند هفته قبل از برگزاری کنگره انصراف خود را از کاندیداتوری پست دبیرکلی اعلام داشت. وی اظهار داشت که همراه با سایر اعضای کمیته مرکزی حداکثر تلاش خود را برای گزینش شایسته‌ترین فرد برای این مسئولیت بکار خواهد گرفت.

گزارش کمیته مرکزی حزب در کنگره دوازدهم توسط خروالد وایکلسیاس قرائت شد و پس از بحث و بررسی نمایندگان واحدهای حزبی، مورد تصویب قرار گرفت. گزارش کمیته مرکزی بر سه محور اتحاد کمونیستها، جبهه نیروهای چپ و تقویت حزب استوار بود. در گزارش آمده بود که روند خروج اعضاء از حزب پایان یافته و نفوذ حزب در

بقیه در صفحه ۵

AKSARIYAT
NO. 198
MONDAY, 7 MAR, 88

آدرس:
Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

www.iran-archive.com